

## همایش مردمی در حمایت از نیروهای امنیتی؛

### مسوولان محلی: «طالب در بامیان جای ندارد»



شماری از باشندگان، فرماندهان پیشین جهادی، عالمان دینی، متنفذان و جوانان ولایت بامیان، در همایشی پشتیبانی خود از نیروهای امنیتی و دفاعی مستقر در ولایت بامیان را اعلام کردند. این برنامه روز پنجشنبه، سوم سرطان، در مقر ولایت بامیان با حضور مسوولان اداره محلی و مقامهای امنیتی این ولایت برگزار شده بود.

فرماندهان پیشین جهادی، نمایندگان مردم در مجلس سنا و شورای ولایتی ضمن حمایت از نیروهای امنیتی، اعلام آمادگی کردند که در صورت نیاز، برای دفاع از بامیان سلاح برداشته و در خط نخست نبرد خواهند رفت.

مسوولان محلی بامیان نیز به مردم اطمینان دادند که نیروهای امنیتی با تمام توان از مرزهای این ولایت دفاع می کنند و به هیچ کسی اجازه نخواهند داد که حتی یک پاسگاه امنیتی را تصرف کند.

۳



نگرانی از احیای القاعده؛

## نیروهای خارجی با تأخیر از افغانستان بیرون شوند

۳

### وضعیت ملتهب شمال و نقش بسم الله محمدی در آینده جنگ

۴

### ضرورت مقاومت در شمال

گروه طالبان بیش از هرجای دیگر در مناطق جنوب کشور حاکم بوده است. در بیست سال اخیر نیز این گروه بیش تر در ولایات جنوبی متمرکز بود. مردم جنوب دقیق تر از هر کس دیگری با ماهیت و عمل کرد طالبان آشنا هستند. جهان و مردم افغانستان به عمل کرد این گروه در میان ساکنان مناطق جنوب نظر بیندازند.

۴



### بازی باخت - باخت؛ برنده دو ماه جنگ کی بود؟



پس از آغاز روند خروج نیروهای خارجی از کشور، طالبان حملاتشان بر مواضع و اراضی تحت تسلط دولت را افزایش دادند. در نتیجه، یک درگیری تمام عیار به وقوع پیوست که آمار تلفات سه طرف (دولت، طالبان و غیرنظامیان) را به شدت افزایش داد. بنا بر گزارش روزنامه ۸ صبح که در آن از گزارش «اکلد» نیز استفاده شده، آمار روزانه قربانیان جنگ از ۷۵ نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۷۵ نفر از اول جنوری...

۷

### امریکا سه میلیون دوز واکسین کرونا به افغانستان کمک می کند

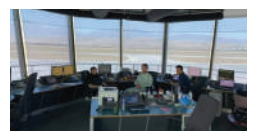
افغانستان تاکنون از هند، چین و کووآکس واکسین کرونا دریافت کرده است. هند ۵۰۰ هزار دوز، چین ۷۰۰ هزار دوز و کووآکس ۴۸۶ هزار دوز واکسین به افغانستان کمک کرده اند. روند واکسیناسیون کرونا در کشور در پنجم حوت سال گذشته آغاز شد. این روند برای مدتی به دلیل نبود واکسین متوقف شده بود. اما در بیست و دوم جوزا پس از رسیدن محموله کمکی چین از سر گرفته شد. وزارت صحت عامه قبلاً اعلام کرده بود که افغانستان به ۴۲ میلیون دوز واکسین نیاز دارد و ۳۲۰ میلیون دالر برای خرید آن اختصاص داده شده است.

۸ صبح، کابل: کاخ سفید اعلام کرده است که سه میلیون دوز واکسین کرونای جانسون - جانسون را به افغانستان کمک می کند. کرین ژان پیر، معاون سخنگوی کاخ سفید، روز پنجشنبه، سوم سرطان، در یک نشست خبری گفت که امریکا سه میلیون دوز واکسین کرونای جانسون - جانسون و نیز آکسیجن و سایر تجهیزات را به افغانستان کمک می کند. به گفته او، این محموله کمک هفته آینده به افغانستان منتقل خواهد شود. معاون سخنگوی کاخ سفید افزود که نوع جدید ویروس کرونا در افغانستان در حال گسترش است.



### مسؤولیت برج مراقبتی میدان هوایی مولانا جلال الدین محمد بلخی از ناتو به اداره هوانوردی منتقل شد

جمعه، چهارم سرطان، به صورت رسمی به اداره هوانوردی ملکی سپرده شد.



۸ صبح، کابل: اداره هوانوردی ملکی می گوید که مسوولیت برج مراقبتی هواپیماها و ایستگاه هواشناسی میدان هوایی بین المللی مولانا جلال الدین محمد بلخی در مزار شریف را از ناتو گرفته است.

محمدنعیم صالحی، سخنگوی اداره هوانوردی ملکی، به روزنامه ۸ صبح گفت که مسوولیت برج مراقبتی هواپیماها (کنترل تاور) و ایستگاه هواشناسی میدان هوایی بین المللی مولانا جلال الدین محمد بلخی روز کشور را بر عهده بگیرد.

## پرواز های کابل استانبول و برعکس آن هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت  
**190 USD**





## افغانستان و امریکا به همکاری پایدار نیاز دارند

کابل و واشنگتن پس از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان وارد فصل تازه‌ای از روابط خود می‌شود. سفر غنی و عبدالله به واشنگتن احتمالاً این فصل روابط را کلید زده است. این سفر در یک مرحله حساس انجام شده است. نیروهای بین‌المللی به رهبری امریکا در حال ترک افغانستان هستند. دولت و گروه طالبان عملاً میز مذاکرات را ترک کرده‌اند. افغانستان و امریکا در این مرحله دغدغه‌های متفاوت دارند؛ اما می‌توانند منافع مشترک و پایدار داشته باشند. دو کشور در این فصل نیاز دوسویه دارند که به دغدغه‌های مشترک یک‌دیگر وقع بگذارند و به منافع پایدار و مشترک برسند. نگرانی عمده در واشنگتن سقوط نظم دموکراتیک در افغانستان و به تبع آن خلق تهدید امنیتی - سیاسی برای امریکا از این کشور از سوی گروه‌های تندرو است. از جانب دیگر افغانستان به حمایت دوام‌دار، مالی، لوژستیک و آموزشی امریکا از ارتش و نیروهای امنیتی خود نیاز دارد تا بقای نظام تضمین و دستاورد حفظ شود. روند صلح نیز که اکنون متروک و مسکوت گذاشته شده است، به اجماع و حمایت دیپلماتیک جهان و در راس آن ایالات متحده امریکا نیاز دارد. سفر غنی و عبدالله به واشنگتن ممکن است واپسین فرصت برای جلب حمایت امریکا از نظام، نیروهای امنیتی و هم‌چنان دستاوردهای مردم باشد.

چنان‌که اعلام شده، از محورهای اساسی مورد بحث دیدار غنی و عبدالله با جو بایدن، رییس جمهور امریکا، تعهد، حمایت و کمک این کشور از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان است. واقعیت این است که دولت افغانستان برای بقا و نیز تأمین امنیت کشور به کمک‌های سایر متحدان امریکا نیز نیاز دارد. برای امریکا و متحدانش مهم است که ثبات و نظام دموکراتیک در افغانستان حاکم باشد و منافع امنیتی و سیاسی این کشورها از افغانستان تهدید نشود. نیروهای امنیتی افغانستان در خط مقدم مبارزه با تروریسم و هراس‌افگنی می‌جنگند. این نیروها در کنار این‌که از امنیت افغانستان حراست می‌کنند، بخش اصلی کارزار هراس‌افگنی را نیز بردوش می‌کشند که ممکن است برای جهان درد سر خلق کند.

در فصل جدید روابط کابل - واشنگتن، افزون بر حمایت از نیروهای امنیتی، «دیپلماسی صلح» نیز یک موضوع حیاتی برای افغانستان است. دولت بایدن از آغاز کار خود موضوع حمایت دیپلماتیک از روند صلح افغانستان را با قطعیت مطرح کرده است. این موضوع از آن‌جایی اهمیت دارد که انتخاب دولت و طالبان، جنگ است. دو طرف به میز مذاکره پشت کرده‌اند. به رغم اذعان دولت و طالبان به بن‌بست جنگ، گشایشی در میز مذاکرات دیده نشده است و به نظر نمی‌رسد که به زودی افتتاحی در روند صلح رونما شود. در این مرحله امریکا و سایر شرکای آن می‌توانند با خلق اجماع بین‌المللی و حمایت دیپلماتیک وسیع از روند صلح افغانستان، حلقه فشار بر طالبان و حامیان آنان را در منطقه تنگ‌تر کنند. استفاده از گزینه تحریم که شورای امنیت سازمان ملل متحد در آخرین مورد آن را برای ۹۰ روز به امید پیش‌رفت در روند صلح، تعلیق کرده است، می‌تواند بخشی از این فشار دیپلماتیک بر طالبان باشد. حمایت کشورهای منطقه که هرکدام منافع امنیتی - سیاسی در افغانستان دارد، از روند صلح مهم است. فایق آمدن بر معضل شورشگری از طریق جنگ، ممکن است ره به جایی نبرد. بنابراین، دیپلماسی صلح در این مرحله برای افغانستان مهم است.

مضاف بر این موارد، امریکا می‌تواند نقش مهم در تشویق جناح‌های دخیل حوزه جمهوری برای اتحاد، بازی کند. در بیانیه‌های رسمی کاخ سفید در مورد برنامه سفر غنی و عبدالله بر این موضوع تأکید شده است. قبل از این، در نامه آنتونی بلینکن به رهبران حکومت نیز بر خلق اجماع در سطح رهبران سیاسی حوزه جمهوریت تأکید شده بود.

سفر غنی و عبدالله به واشنگتن به رغم ملاحظاتی که در مورد ترکیب هیأت آن مطرح شد، برای افغانستان سرنوشت‌ساز است. هیأت افغانستان تاکنون با رهبران اقلیت و اکثریت سنای امریکا، رییس مجلس نماینده‌گان، مشاور شورای امنیت ملی، خانواده‌های قربانیان نیروهای امریکایی در جنگ افغانستان و «گروه دوستان افغانستان» در ایالات متحده دیدار کرده است. دیدار غنی و عبدالله با بایدن تا عصر روز جمعه انجام نشده بود. یک سخنگوی کاخ سفید محور اصلی این دیدار را بحث روی تعهدات امریکا و حمایت این کشور از نیروهای امنیتی اعلام کرده بود. انتظار می‌رود که غنی و عبدالله بتوانند با دست پر از واشنگتن به کابل برگردند.

## دولت با پس گرفتن چهار ولسوالی، دو ولسوالی را از دست داد

وزارت دفاع ملی روز جمعه، چهارم سرطان، از بازپس‌گیری چهار ولسوالی در ولایت‌های فاریاب و بغلان خبر داد.

پیش از چاشت روز جمعه ولسوالی اندخوی از طالبان پس گرفته شده بود.

ولسوالی خنجان در ولایت بغلان نیز روز جمعه از سوی نیروهای امنیتی و خیزش مردمی از دست طالبان آزاد شد. این ولسوالی روز چهارشنبه هفته گذشته در پی حمله طالبان سقوط کرده بود.

وزارت دفاع ملی پس از چاشت روز جمعه اعلام کرد که نیروهای دولتی جنگ‌جویان گروه طالبان را از ولسوالی دوشی بغلان بیرون راندند. این ولسوالی در ۳۱ سرطان از سوی طالبان تصرف شد و یک روز بعد وزارت دفاع ملی از بازپس‌گیری آن خبر داد. این ولسوالی برای بار دوم از طالبان پس گرفته شد.

چنان‌که وزارت دفاع ملی اعلام کرد، نیروهای امنیتی تاکنون به حمایت نیروهای بسیج مردمی، ۱۱ ولسوالی را از طالبان پس گرفته‌اند.

گروه طالبان مدعی است که در بیش از دو ماه گذشته حدود ۶۰ ولسوالی را به کنترل خود درآورده است.



**۸صبح، کابل:** نیروهای دولتی روز جمعه، چهارم سرطان، طالبان را از چهار ولسوالی بیرون راندند. ولسوالی‌های اندخوی و خان چهارباغ در فاریاب و خنجان و دوشی در بغلان از سوی نیروهای دولتی از طالبان پس گرفته شده است.

هم‌زمان با این طالبان ولسوالی دولینه غور و سیاه‌گرد پروان را تصرف کرده‌اند. هم‌چنان این گروه مدعی شده است که ولسوالی‌های قرم‌قل و قرغان در فاریاب را نیز تصرف کرده است.

منابع امنیتی ولایت پروان می‌گویند که ولسوالی سیاه‌گرد غوربندهای این ولایت پس از دو روز درگیری سرانجام به دست گروه طالبان سقوط کرده است.

یک منبع امنیتی به روزنامه ۸صبح گفت که نیروهای امنیتی از این ولسوالی عقب‌نشینی کرده و به سوی چهار ده رفته‌اند.

## در کمین طالبان در پروان پیچ نیروی خیزش مردمی کشته و نه تن دیگر زخمی شدند

**۸صبح، پروان:** مقام‌های امنیتی ولایت پروان می‌گویند که در نتیجه کمین گروه طالبان بر کاروان موترهای خیزش مردمی که برای حمایت از نیروهای امنیتی به غوربندها می‌رفتند پنج



نیروی خیزش مردمی کشته و نه تن دیگر زخمی شدند. یک منبع امنیتی که از افشای نامش خودداری می‌کند به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این نیروهای به رهبری نثارالدین بریالی چاشت روز جمعه، چهارم سرطان، در ولسوالی شینواری غوربندهای پروان با کمین گروه طالبان روبه‌رو شده‌اند. در همین حال، قاسم سنگین، رییس شفاخانه ملکی صد بستر پروان، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که از این رویداد پنج جسد و چهار زخمی به شفاخانه انتقال داده شده‌اند.

به گفته او، تمام زخمی‌های این رویداد وضعیت‌شان وخیم بود که جهت درمان به کابل انتقال داده شدند.

## زمین‌لرزه در پروان ۲۲ زخمی برجای گذاشت

**۸صبح، کابل:** وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث می‌گوید که ۲۲ نفر در اثر زمین‌لرزه در ولایت پروان زخمی شده‌اند.

احمدتیمیم عطیمی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، به روزنامه ۸صبح گفت که بیش‌تر این افراد در جریان بیرون شدن از اتاق‌ها در هنگام وقوع زمین‌لرزه به گونه سطحی زخم برداشته‌اند.

به گفته او، وضعیت صحتی زخمیان قابل نگرانی نیست. قدرت زلزله‌ای که بامداد روز جمعه، چهارم سرطان،

بخش‌هایی از کشور را تکان داد، ۵.۱ ریشتر گزارش شده است.

سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، می‌گوید که این زمین‌لرزه در عمق ۱۸.۶ کیلومتری در ساحه هندوکش ساعت ۳:۳۴ بامداد به وقوع پیوست.

به گفته او، این زمین‌لرزه با فاصله‌های ۱۳.۸ کیلومتری شهر چاریکار، ۲۶.۶ کیلومتری جبل‌السراج، ۳۸.۷ کیلومتری پغمان، ۴۴.۷ کیلومتری کابل و ۵۹.۴ کیلومتری بازارک پنجشیر را نسبت به سایر مناطق افغانستان بیش‌تر تکان داد.

### استثنای موقت برای صلح؛

## مذاکره‌کننده‌گان طالبان در دوحه از تحریم‌های سازمان ملل برای ۹۰ روز معاف شدند

شمار افراد و نهادهایی که طبق این قطع‌نامه مورد تحریم قرار گرفته بود، شامل ۱۵۱ فرد وابسته به طالبان، ده نهاد مرتبط به این گروه و دو فرد وابسته به شبکه القاعده می‌شد. بانک ملی افغانستان و شرکت هواپیمایی ملی نیز شامل این تحریم‌ها بود. تحریم‌هایی که علیه افراد وابسته به طالبان و نهادهای مرتبط به این گروه وضع شده است، شامل ممنوعیت سفر، انجماد دارایی‌ها و منع فروش اسلحه به آن‌ها می‌شود. بیش‌تر اعضای دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر نیز شامل این تحریم‌ها می‌شوند. با این وصف، سفر آن‌ها به بعضی از کشورها نیازمند اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد است. طالبان بارها خواستار رفع تحریم‌ها و کشیدن نام رهبران این گروه از فهرست سیاه شده‌اند.

طرح وضع تحریم علیه‌اعضای گروه طالبان و نهادهای مرتبط به این گروه در شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۸ روی دست گرفته شد.

در آن زمان گروه طالبان به پناه دادن به اسامه بن لادن رهبر سابق و بنیان‌گذار شبکه القاعده و اعضای این شبکه و حمایت از آن‌ها متهم بود. هم‌چنین این گروه به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نقض گسترده حقوق زنان و اقلیت‌ها در افغانستان متهم شده بود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطع‌نامه «۱۲۶۷» در ۲۳ میزان ۱۳۷۸ (۱۵ اکتوبر ۱۹۹۹) شماری از اعضای رهبری و فرماندهان طالبان و همین‌طور نهادهای مرتبط به این گروه را مورد تحریم قرار داد.

**۸صبح، کابل:** شورای امنیت سازمان ملل متحد به امید پیش‌رفت در گفت‌وگوهای صلح، مذاکره‌کننده‌گان طالبان در دوحه را برای ۹۰ روز دیگر از تحریم معاف کرده است.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان با یوناما گفته است که این اقدام برای حمایت از تلاش‌های صلح صورت گرفته است.

یوناما ضمن تأکید بر این‌که معافیت ۹۰ روزه مذاکره‌کننده‌گان طالبان یک «استثنای موقت» برای صلح است، ابراز امیدواری کرده است که از این زمان برای پیش‌رفت چشم‌گیر در مذاکرات صلح افغانستان استفاده شود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه وضعیت امنیتی افغانستان را بررسی کرد.

## بانک جهانی ۱۳۲ میلیون دالر به افغانستان کمک کرد

**۸صبح، کابل:** هیأت مدیره بانک جهانی بسته جدید کمکی این نهاد برای افغانستان را تصویب کرد.

این بسته جدید کمکی که مقدار آن ۱۳۲ میلیون دالر اعلام شده است، بلاعوض است. بانک جهانی این بسته جدید را روز پنج‌شنبه، سوم سرطان، تصویب کرده است.

این بانک افزوده است که بسته جدید در جهت تداوم روند اصلاحات بنیادین، بهبود مصارف ادارات دولتی و تأمین شفافیت مالی، تقویت حکومت‌داری و دست‌یابی افغانستان به رشد اقتصادی از طریق تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی، کمک شده است.

این بانک افزوده است که قرار است کمک مالی جدید از طریق برنامه توسعه پالیسی «مشوقه‌های سال ۲۰۲۱» هزینه شود.

طبق معلومات بانک جهانی، صندوق بازسازی افغانستان نیز ۳۰۰ میلیون دالر جدید را برای حمایت از این برنامه کمک می‌کند که در مجموع کمک مالی جدید به ۴۳۲ میلیون دالر می‌رسد.

هنری کرالی، رییس دفتر بانک جهانی برای افغانستان، گفته است که تصویب این کمک مالی جدید، بیان‌گر تعهد درازمدت و پایدار بانک جهانی در راستای کمک به مردم افغانستان برای بهبود اوضاع اقتصادی - اجتماعی است که از شیوع ویروس کرونا متأثر شده است.

به گفته او، بانک جهانی آماده است تا در این اوضاع دشوار و شرایط سخت همکاری نزدیک خود را با دولت افغانستان به منظور تداوم روند اصلاحات و حفاظت از دست‌آوردهای این کشور در مسیر دست‌یابی به خودکفایی و رشد اقتصادی ادامه دهد.

بانک جهانی می‌گوید که شکننده‌گی اوضاع سیاسی و همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ بر اوضاع اقتصادی، سیستم مالی دولت و نتایج توسعه اجتماعی، تأثیرات ناگوار به جا گذاشته است.

براساس معلومات بانک جهانی، به دلیل شیوع ویروس کرونا و قرنطین شهرها، اکثریت مردم وظایف و مشاغل خود را در بخش‌های غیررسمی و خدمات از دست دادند و این موضوع سبب کاهش رشد اقتصادی افغانستان شد. رشد اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی دو درصد اعلام شده است.

بانک جهانی افزوده است که در چند ماه اخیر، میزان فقر و تنگ‌دستی به دلیل بدتر شدن خشک‌سالی و شرایط دشوار اقتصادی که با تشدید بحران امنیتی و شکننده‌گی اوضاع سیاسی همراه است، بیش‌تر افزایش یافته است.





## نگرانی از احیای القاعده؛

# نیروهای خارجی با تأخیر از افغانستان بیرون شوند



حسین حیدری

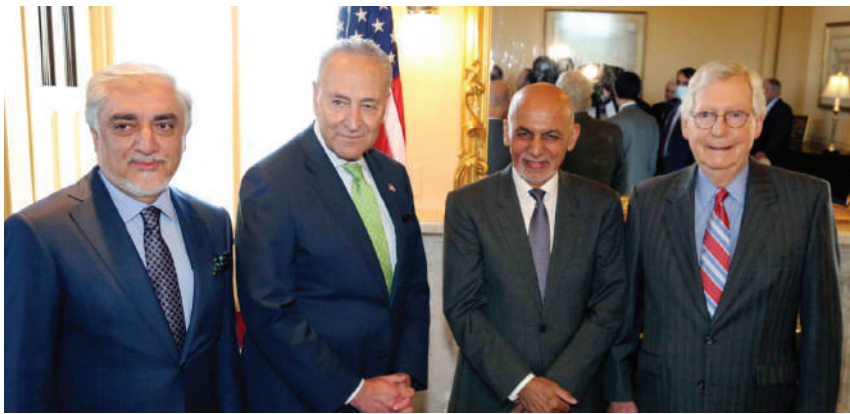
محمدشرف غنی، رئیس جمهور و عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی، در جریان سفرش به واشنگتن، در کنار دیدار با رئیس مجلس نمایندگان و مشاور امنیت ملی آمریکا، با چارلز شومر و میچ مکائل، رییسان احزاب دموکرات و جمهوری خواه این کشور دیدار کردند.

پس از این ملاقات، سناتور میچ مکائل اعلامیه‌ای منتشر کرده و ابراز امیدواری کرده که اداره رییس جمهور جو بایدن روند خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را به تعویق بیندازد و در این مورد به نگرانی‌های ابراز شده توجه کند. به گفته او، خطر تروریسم هنوز مهار نشده است.

رییس جمهور غنی و عبدالله عبدالله چهارشنبه شب، دوم سرطان، در رأس یک هیأت عالی‌رتبه عازم آمریکا شدند.

رییس جمهور در روز اول سفر خود با شماری از مقام‌های آمریکایی در رابطه به تقویت بیشتر مناسبات دیپلماتیک، تمویل، تجهیز و حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی، همکاری آمریکا با بخش‌های اقتصادی و توسعه‌های افغانستان و مبارزه مشترک با تروریسم، با مقام‌های آمریکایی دیدار و صحبت کرده است. رییس جمهور و هیأت همراهش در روز دوم سفر خود با جو بایدن، رییس جمهور آمریکا، نیز ملاقات می‌کنند.

سناتور مکائل با اشاره به اظهارات وزیر دفاع آمریکا در مورد القاعده گفته است که القاعده آماده می‌شود تا خود را احیا کند. لویید استن، وزیر دفاع آمریکا، پیش از این اعلام کرده بود که ممکن است القاعده تا دو سال دیگر از افغانستان دوباره فعال شود. آقای مکائل هشدار می‌دهد که اگر تغییری در راهکار



آمریکا نباید، ممکن است این اتفاق پیش از مدت دو سال رخ بدهد.

وزیر خارجه افغانستان نیز نگرانی‌اش را در مورد ارتباط بین گروه طالبان و القاعده ابراز کرده و گفته است که در این مورد تعهدنامه دوحه عملی نشده است؛ اما طالبان این اتهام را بی‌اساس خوانده‌اند. محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه، هم‌چنان از سازمان ملل خواستار عملی شدن توافق‌نامه دوحه از سوی طالبان شده است. طبق توافق‌نامه دوحه، گروه طالبان باید خشونت در افغانستان را کاهش می‌داد و رابطه خود با القاعده را قطع می‌کرد.

طالبان و آمریکا یک‌دیگر را به نقض تفاهم‌نامه دوحه متهم می‌کنند.

طبق این تفاهم‌نامه، تمام نیروهای خارجی از افغانستان باید در اول ماه می سال روان میلادی از افغانستان بیرون می‌شدند، اما اداره بایدن اعلام کرد که نیروهای آمریکایی تا یازدهم سپتامبر افغانستان را ترک خواهند کرد.

نیروهای ناتو نیز اعلام کرده‌اند که هم‌زمان با سربازان آمریکایی افغانستان را ترک خواهند کرد. طبق اعلام

نشده‌اند از آن‌ها نامی برده شود. طبق گفته‌های مقام‌های آمریکایی، براساس توافق میان آمریکا و ترکیه، این کشور قرار است سامانه ضد موشک را در میدان هوایی کابل نصب و نیرویی را برای راه‌اندازی این سیستم در این میدان جابه‌جا کند.

اسوشیتد پرس گزارش داده است که مقام‌های آمریکایی و ترکی قرار است در هفته پیش‌رو توافق‌نامه همکاری‌شان برای تأمین امنیت میدان هوایی کابل را در انقره، پایتخت ترکیه، نهایی کنند. به گزارش اسوشیتد پرس، آمریکا قصد دارد تا چند هواپیما را به پشتی‌بانی از میدان هوایی کابل اختصاص بدهد.

رییس جمهور غنی و رییس شورای عالی مصالحه ملی در حالی به واشنگتن سفر کرده‌اند که سرنوشت جنگ و صلح افغانستان ناروشن است. در ضمن جنگ در افغانستان به شکل بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است. هم‌اکنون درگیری در بیش‌تر ولایت‌های افغانستان جریان دارد.

در جریان سه هفته گذشته، چندین ولسوالی در ولایت‌های فاریاب، سرپل، جوزجان، بلخ و تخار میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان دست‌به‌دست شده است.

چند روز قبل دولت آمریکا اعلام کرد که قرار است جو بایدن، رییس جمهور آمریکا، در ۲۵ جون سال جاری با محمدشرف غنی، رییس جمهور و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی در کاخ سفید دیدار کند.

بنا بر اعلامیه کاخ سفید، این دیدار مشارکت پایدار میان افغانستان و آمریکا را در حالی برجسته می‌کند که روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان ادامه دارد. در بیانیه کاخ سفید آمده است: «ایالات متحده متعهد است که با ارایه کمک‌های دیپلماتیک، اقتصادی و بشردوستانه به مردم افغانستان، از جمله زنان، دختران و اقلیت‌ها، از آن‌ها حمایت کند.»

## همایش مردمی در حمایت از نیروهای امنیتی؛

# مسوولان محلی: «طالب در بامیان جای ندارد»



گرفته است. او هم‌چنان تأکید کرد که باشندگان بامیان هیچ‌گونه نگرانی نداشته باشند و «فربج جنگ روانی از سوی طالبان» را نخورند.

از سویی هم طیبه خاوری و محمدحسن اسدی، دو عضو شورای ولایتی بامیان، حمایت‌شان از نیروهای امنیتی را اعلام کردند و گفتند در صورتی که لازم شود، لباس رزم بر تن می‌کنند، در برابر تهاجم طالبان سلاح می‌گیرند و به خط مقدم جنگ در کنار نیروهای امنیتی ایستاد خواهند شد.

### یک لوی اردوی محلی در بامیان ایجاد شود

با این حال قیس خان وکیلی، نماینده مردم بامیان در مجلس سنا، از حکومت خواست که هرچه زودتر یک لوی اردوی محلی را در بامیان ایجاد کند. آقای وکیلی گفت در صورتی که طی مراحل این کار زمان‌گیر باشد، به صورت فوری قطعه‌ای با ظرفیت هزار نفر از نیروهای خیزش مردمی تحت فرماندهی واحد و قانونی در بامیان ایجاد شود. آقای وکیلی از اداره محلی بامیان خواست که این موضوع را پی‌گیری کند.

مختار احمدی، یکی از جهادی‌های پیشین بامیان، به نماینده‌گی از مردم و مجاهدین گفت که آنان آماده هرگونه حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی در سطح بامیان هستند و در کنار نیروهای امنیتی با طالبان مبارزه خواهند کرد. آقای احمدی نیز گفت که یک قطعه نیروهای خیزش مردمی تحت رهبری منظم و قانون‌مند باید در بامیان ایجاد شود تا در صورت نیاز به کمک نیروهای امنیتی بشتابد و از مرزهای این ولایت دفاع کند.

حدود سه سال پیش رییس جمهور غنی در سفرش به بامیان، به رییس ستاد ارتش وقت هدایت داده بود تا ترتیب ایجاد یک کندک اردوی محلی را برای بامیان نهایی سازد؛ وعده‌ای که تاکنون عملی نشده است. نگرانی‌ها از وضعیت امنیتی در بامیان در حالی افزایش یافته است که در روزهای اخیر، جنگ در برخی مناطق و ولسوالی‌های هم‌جوار این ولایت شدت گرفته و برخی ولسوالی‌های هم‌جوار به تصرف طالبان درآمده است.

### سیدانور رحمتی، والی بامیان، در سخنرانی‌اش در این همایش گفت

که «اسلحه و مهمات کافی» در اختیار نیروهای امنیتی این ولایت قرار دارد و همین‌طور قابلیت و مدیریت جنگ نیز موجود است تا در برابر هرگونه تحرک طالبان مقاومت صورت گیرد. والی بامیان تأکید کرد در صورتی که طالبان تحرک داشته باشند، با شکست مواجه خواهند شد. آقای رحمتی افزود که تلاش‌ها در مرکز نیز برای تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی بامیان جریان دارد و در کنار آن، به زودی یک «شورای وسیع مردمی» حمایت از نیروهای امنیتی در این ولایت ایجاد می‌شود. والی بامیان به مردم اطمینان داد که این ولایت هم‌چنان آزاد خواهد ماند و به هیچ گروهی فرصت داده نخواهد شد تا امنیت بامیان را بر هم بزنند. رحمتی هم‌چنان گفت که نشست‌های گوناگون با احزاب سیاسی، فرماندهان پیشین جهادی، عالمان دین، متنفذان و جامعه مدنی برگزار شده و یک نیروی بزرگ انسانی شکل گرفته است که به خوبی می‌تواند از نقاط آسیب‌پذیر بامیان دفاع کند.

### «طالب در بامیان جای پای ندارد»

در همین حال، زبردست صافی، فرمانده پولیس بامیان، در پیوند به وضعیت امنیتی بامیان گفت که در حال



الیاس طاهری

شماری از باشندگان، فرماندهان پیشین جهادی، عالمان دینی، متنفذان و جوانان ولایت بامیان، در همایشی پشتی‌بانی خود از نیروهای امنیتی و دفاعی مستقر در ولایت بامیان را اعلام کردند.

این برنامه روز پنج‌شنبه، سوم سرطان، در مقر ولایت بامیان با حضور مسوولان اداره محلی و مقام‌های امنیتی این ولایت برگزار شده بود.

فرماندهان پیشین جهادی، نماینده‌گان مردم در مجلس سنا و شورای ولایتی ضمن حمایت از نیروهای امنیتی، اعلام آماده‌گی کردند که در صورت نیاز، برای دفاع از بامیان سلاح برداشته و در خط نخست نبرد خواهند رفت.

مسوولان محلی بامیان نیز به مردم اطمینان دادند که نیروهای امنیتی با تمام توان از مرزهای این ولایت دفاع می‌کنند و به هیچ‌کسی اجازه نخواهند داد که حتی یک پاسگاه امنیتی را تصرف کند.

سیدانور رحمتی، والی بامیان، در سخنرانی‌اش در این همایش گفت که «اسلحه و مهمات کافی» در اختیار

حاضر در هیچ بخشی از جغرافیای این ولایت جنگ نیست. آقای صافی از حمله چند روز پیش طالبان بر پاسگاه «شیشته» واقع در نوار مرزی ولسوالی‌های کهمرد بامیان و تاله‌ورفک بغلان یادآوری کرد و گفت که طالبان به هدف خود نرسیدند. به گفته فرمانده پولیس بامیان، هدف طالبان تصرف پاسگاه‌های نیروهای امنیتی و بخشی از خاک بامیان بود، اما موفق نشدند.

فرمانده پولیس بامیان نیز به مردم اطمینان داد و تأکید کرد که هیچ بخشی از خاک بامیان به دست طالبان نمی‌افتد و «بامیان برای طالب جای پای ندارد». وی افزود که نیروهای امنیتی بامیان هیچ بخشی از جغرافیای این ولایت را زیر نام عقب‌نشینی تاکتیکی و اطلاعاتی ترک نخواهند کرد و از هر سنگر تا زنده‌اند، دفاع خواهند کرد. به گفته فرمانده پولیس بامیان، قوت کافی موجود است و هماهنگی‌های لازم نیز صورت



# ضرورت مقاومت در شمال

◆ سیاوش مانی



حق مردم است و قرار نیست فردی یا نهادی در این مورد برای آنان دستور بدهد.

دفاع از مناطق خود و مخالفت با گروه طالبان به معنای ملیشه‌سازی نیست. این یک ضرورت و وجیه انسانی و میهنی است. چرا که جنگ‌جویان طالبان مناطق، روایت و نظمی را که مردم به آن متعهد هستند، نشانه گرفته‌اند. وقتی روایت مورد حمایت مردم، مناطق و نظم مورد پسندشان مورد هجوم قرار گرفته، به این معنا است که هرکدام آنان مورد حمله قرار گرفته است و برای همین آنان حق دارند از خود و از نظم مورد حمایت خود در برابر نظم خشن طالبان دفاع کنند.

هم طالبان و هم روایت این گروه برای مردم شمال بیگانه‌اند. بخش زیادی از مردمی که در ولایت‌های شمال کشور سلاح برداشته‌اند، فارغان دانشگاه، فرهنگیان و علمای دینی هستند. خیزش‌های مردمی ناشی از نگرانی نسبت به حاکمیت دوباره طالبان است. حالا که کار به این‌جا رسیده است، بهترین راه هم برای حکومت و هم برای جهان، حمایت و تجهیز مقاومت مردمی در برابر طالبان است. فقط مردم می‌توانند اراضی و اعتبار حکومت را نگه دارند. هیچ کشور خارجی برای نگهداری دولت بار دیگر لشکرکشی نخواهد کرد. هیچ کشور دیگری آماده قربانی دادن و جنگ در برابر طالبان نیست. این مسوولیت مردم افغانستان است. راه‌حل این است که دولت همه‌جانبه پشت مردم را پر کند و نیازمندی‌های آنان را در میدان نبرد فراهم کند. اما این روند نیازمند مدیریت ویژه است. نیاز است که نیروهای خیزش مردمی در هماهنگی با نیروهای ارتش و در مشورت با یک‌دیگر علیه طالبان رزم و پیکار کنند.

تمدن و ارزش‌های انسانی است و هرگونه مقاومت و قیام علیه او ستایش‌برانگیز و قابل دفاع است. مقاومت و ایستاده‌گی شمال در برابر طالبان مقدس‌ترین کار ممکن است.

کار به جایی رسیده است که حکومت دیگر توانایی نگهداری تمام شهرهای افغانستان را بدون کمک خارجی و مهم‌تر از آن بدون همکاری مردم ندارد. طالبان با استفاده از ضعف و بی‌کفایتی حکومت و با استفاده از نفاق و پراکنده‌گی سیاسی در درون جمهوری، ولسوالی‌ها را سقوط می‌دهد و ده و قریه مردم را به زور تسخیر می‌کند. در چنین حالتی و با توجه به عمل‌کرد زشت این گروه در گذشته، مردم سلاح برداشته‌اند و از مناطق خود دفاع می‌کنند. این

نباشند و مقاومت و قیام قهرمانانه و به موقع مردم شمال علیه طالبان را تبلیغ منفی نکنند. خود مردم شمالی که در آن‌جا زنده‌گی می‌کنند، از این کار استقبال کردند و به مردمی که در برابر لشکر جهل ایستاده‌اند، افتخار می‌کنند. قیام‌کننده‌گان، پدران و برادران مردم شمال هستند. کسی این حرکت ضروری مردم شمال را ملیشه‌سازی و به زبان مردم جلوه ندهد. کسی نگوید که این ملیشه‌سازی است و سبب حاکمیت و باج‌گیری زورمندان محلی می‌شود.

مقاومت‌گران هرچه باشند، همانند طالب نخواهند بود، مکتب را نخواهند بست و جلو ساخت‌وساز را نخواهند گرفت. مردم شمال طالب را بر هیچ‌کسی ترجیح نمی‌دهند. طالب از نظر مردم شمال دشمن فرهنگ،

گروه طالبان بیش از هر جای دیگر در مناطق جنوب کشور حاکم بوده است. در بیست سال اخیر نیز این گروه بیش‌تر در ولایات جنوبی متمرکز بود. مردم جنوب دقیق‌تر از هرکس دیگری با ماهیت و عمل‌کرد طالبان آشنا هستند. جهان و مردم افغانستان به عمل‌کرد این گروه در میان ساکنان مناطق جنوب نظر بیندازند. طالبان مکاتب را به روی فرزندان مناطق جنوب بسته‌اند، ساختمان‌های ولسوالی‌ها را که مال مردم است به آتش کشیده، زنان را در میدان‌های بزرگ و میان انبوهی از مردم محل سنگ‌سار کرده و شلاق زده‌اند. این گروه در این مناطق تمام دروازه‌ها را به روی مردم بسته است و هیچ رحمی بالای مردم ندارد. طالبان با رفتارهای بدوی و غیرانسانی تمام فرصت‌های رشد و توسعه انسانی و اقتصادی را از مردم جنوب ربوده‌اند.

اگر این گروه در شمال و مناطق مرکزی حاکم شود، بدون شک همان کاری را خواهد کرد که دو دهه قبل از امروز در شمالی، مزار شریف، یکلونگ و دیگر بخش‌های حوزه شمال و مناطق مرکزی کشور انجام داده بود؛ می‌کشد، شکنجه می‌کند، مکاتب و بازسازی را تعطیل، زنان را دوباره در خانه‌ها حبس و از رفتن دختران به مکاتب نیز جلوگیری می‌کند.

دیده می‌شود که عده‌ای از افراد ما به جای این‌که نگران وضعیت جنوب و حاکمیت و تطبیق اصول سخت‌گیرانه طالبان باشد، نگران خیزش‌ها و مقاومت مردم در شمال کشور هستند. قیام در برابر طالب مایه نگرانی نیست، مایه امیدواری است و سبب روحیه دادن برای مردم و ارتش کشور شده است. کار عقلانی این است که آنان نگران خیزش‌های مردمی در شمال و مناطق مرکزی

## وضعیت ملتهب شمال و نقش بسم‌الله محمدی در آینده جنگ

**هم‌زمان با گزینش بسم‌الله محمدی در وزارت جنگ، بسیاری از واحدهای اداری افغانستان خارج از کنترل حکومت مرکزی قرار دارد. براساس گزارشی از صدای امریکا، تحقیقات «تیم نظارت بر تحریم‌های سازمان ملل برای افغانستان» حاکی از آن است که بیش‌تر از نصف جغرافیای کشور خارج از کنترل حکومت است. یعنی ۷۰ درصد از مناطق کشور یا در زیر اداره طالبان قرار گرفته یا حکومت در آن‌جا در حال جنگ و منازعه با طالبان است.**

◆ بهروز کیوان



عنوان وزیر جنگ بتواند از ایجاد تغییرات قابل ملاحظه در معادله جنگ در آینده کامیاب به درآید.

با این حال برای تغییر معادله جنگ به سود حکومت در ولایات شمال، نیاز است تا تغییراتی در راهبرد برنامه جنگ ایجاد شود؛ زیرا برای تغییر جنگ کنونی به سود دولت و مردم نه با تغییر افراد، بلکه با تغییر در برنامه جنگ ممکن است. شواهد نشان می‌دهد که رهبری نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان با شدت گرفتن جنگ در ولایات شمال برنامه واحد و جامعی برای مقابله با طالبان روی دست ندارد. واگذاری پی در پی واحدهای اداری در ولایات شمال نشان‌دهنده این است که رابطه و هماهنگی لازم میان خطوط جنگ در ولایات و ولسوالی‌ها و فرماندهی واحد آن‌ها در مرکز وجود نداشته و یا هم بسیار ضعیف است. این به آن معنا است که فاصله میان سربازان و افسران در خطوط جنگ و رهبری جنگ بسیار زیاد است. سربازان دلیل شکست یا عقب‌نشینی‌شان را نبود تجهیزات و امکانات جنگی می‌دانند؛ در حالی که پیام تازه بسم‌الله محمدی، وزیر جنگ حکایت از مجازات آن عده از منصوبان ارتش دارد که در عقب‌نشینی و واگذاری جبهات نقش مهم دارند. تغییر در برنامه جنگ باید به سه مورد عمده شامل‌سازی نیروهای محلی در جنگ، تجهیز و کمک‌رسانی به موقع برای نیروهای امنیتی و حضور جنرالان بلندرتبه و مقامات امنیتی در خطوط جنگ متمرکز باشد.

۱- شامل ساختن نیروها و خیزش‌های مردمی به حمایت از نیروهای امنیتی در برنامه جنگی حکومت: در طی چند شبانه‌روز گذشته، بسیاری از نیروهای مردمی در ولایات شمال با امکانات اندک‌شان به حمایت از نیروهای امنیتی و در کنار آن در جبهات جنگ حضور یافتند و در برابر طالبان جنگیدند. بسیاری از این نیروها از نبود هماهنگی میان خود و نیروهای امنیتی و هم‌چنان نبود امکانات مناسب شکایت دارند. به عنوان مثال، در تازه‌ترین مورد، روز گذشته نوشته‌های برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی حکایت از این داشت که مردم مانع عقب‌نشینی برخی از نیروهای امنیتی از رستاق به تالقان شده‌اند. گفته می‌شود که این نیروها

پس از سقوط برخی واحدهای اداری ماورای کوچه در رستاق تجمع کرده بودند. بنابراین، برای رفع چنین نقیصه‌ای، نیاز است تا استراتژی جنگ شامل حضور، هماهنگی و تجهیز نیروهای مردمی و محلی در کنار نیروهای امنیتی شود؛ آنچه که پیش از این توسط بسم‌الله محمدی اعلان شده است.

۲- کمک‌رسانی به موقع هوایی و زمینی به نیروهای امنیتی از سوی مقامات رهبری وزارت دفاع: تاکنون در بسیاری از موارد دلیل اصلی شکست نیروهای امنیتی تعلل در کمک‌رسانی و حمایت به موقع از جبهات گزارش شده است. به گونه مثال، نیروهای امنیتی گیرمانده در ولایت زابل به دلیل بی‌توجهی رهبری جنگ و نرسیدن نیروی کمکی (هوایی یا زمینی) پس از روزها محاصره به طالبان تسلیم شدند. وقتی به امکانات جنگی دو طرف درگیر منازعه به گونه مقایسه‌ای نظر انداخته شود، تفاوت آشکاری میان شمار و امکانات نیروهای امنیتی با جنگ‌جویان طالبان دیده می‌شود. یعنی شمار و امکانات طالبان نظر به نیروهای امنیتی بسیار کم است. بنابراین، دلیل اصلی نرسیدن به موقع تجهیزات و نیروهای کمکی به خطوط جنگ بی‌برنامه‌گی و کارشکنی واحدهای مسوول کمک‌رسانی مشترک وزارت دفاع، داخله و ریاست امنیت است. در نتیجه برای رفع این کاستی کارمندان شعبه‌های مسوول در وزارت دفاع باید افزایش پیدا کنند و مسلکی‌تر شوند.

۳- حضور فیزیکی جنرالان و مقامات بلندرتبه امنیتی در خطوط نبرد سبب افزایش مورال افسران و سربازان در جبهه‌های جنگ می‌شود. اگر سربازان حاضر در خطوط نبرد از سوی فرماندهان ارشدشان مورد تبعیض و بی‌مهری قرار گیرند، به روحیه آن‌ها در میدان نبرد تأثیر منفی خواهد گذاشت. بنابراین، لازم است تا هسته رهبری عمومی جنگ در کابل، شماری از جنرالان باتجربه و مسلکی را برای تقویت روحیه نیروهای امنیتی به تمام خطوط نبرد در سراسر افغانستان بفرستد.

سخن پایانی این‌که، در نوشته کنونی به سقوط سریع برخی از ولسوالی‌های شمال به دست طالبان، نقش احتمالی محمدی در آینده این جنگ و ضرورت تغییر در استراتژی جنگ پرداخته شد و پیشنهادهایی نیز به مثابه راه‌حل ارائه شد. در نهایت نگارنده به سرقوماندانان اعلی‌قوای مسلح پیشنهاد می‌کند که برای تطبیق موارد یادشده در این نوشته، نیاز است در تمام بست‌های کلیدی نهادهای امنیتی به صورت کلی تجدید نظر شود؛ زیرا بیش‌تر جنرالان و فرماندهان بلندپایه در وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست امنیت نه براساس شایسته‌گی که براساس روابط و وابسته‌گی‌های قومی گماشته شده‌اند.

پس از تصرف برخی ولسوالی‌های شمال توسط طالبان، در تعیینات تازه حکومت، بسم‌الله محمدی به حیث وزیر دفاع معرفی شد. او پیش از این نیز در وزارت‌های دفاع و داخله ایفای وظیفه کرده است. با وجود این کارنامه، بسم‌الله محمدی در مأموریت‌های گذشته‌اش پرماجرا و جنجالی بوده است. چنان‌که دیده می‌شود او هم‌چنان به مثابه یکی از فیگورهای ضد طالب نزد رهبری حکومت از اعتماد و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. با این حال تصور نگارنده بر این است که به جای تغییر افراد در رهبری جنگ، تغییرات در برنامه‌های جنگ می‌تواند مفیدتر و موثرتر تمام شود. نگارنده قصد دارد در این نوشته به مواردی چون چرایی تشدید جنگ در شمال، نقش محمدی در آینده جنگ و ضرورت تغییرات راهبردی در برنامه جنگ بپردازد.

نبود انگیزه و تعهد لازم برای رهبری جنگ نزد مسوولان امنیتی و دفاعی کشور و ایجاد باور به پیروزی نزد طالبان پس از خروج نیروهای بین‌المللی، دو عامل عمده افزایش جنگ در شمال کشور است. در چند روز اخیر با شدت گرفتن جنگ در ولایات شمالی کشور دست‌کم هفت ولسوالی تخراب به دست طالبان افتاده و به همین ترتیب چندین ولسوالی دیگر در ولایت‌های بغلان و بلخ یا سقوط کرده است و یا در خطر سقوط قرار دارد. طالبان بر این باورند که بدون حضور نیروهای خارجی در افغانستان، می‌توانند با فشار نظامی بر نیروهای امنیتی پیروز و در مذاکرات صلح امتیاز بیش‌تری را نصیب شوند و معادله سیاسی کشور را به سود خویش رقم بزنند. از سوی دیگر اما سیاست جنگی ناروشن اشرف غنی، سرقوماندان اعلی‌قوای مسلح در گذشته سبب شده است تا روحیه جنگی نزد نیروهای امنیتی کشور تضعیف شود. تاکنون بارها است که اشرف غنی در موقف‌گیری‌هایش در برابر طالبان متضاد عمل کرده است. به گونه مثال،





+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



## شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

# آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت  
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

# شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

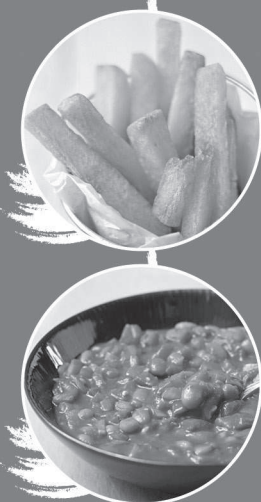
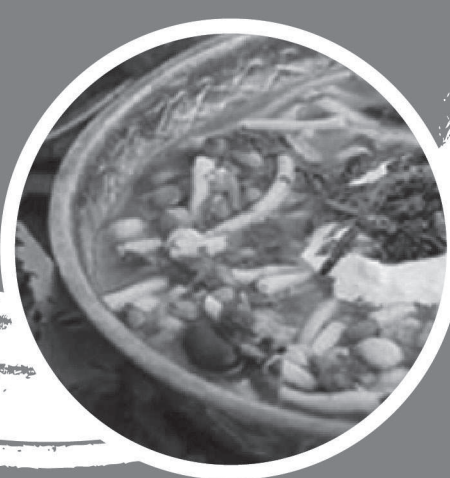
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

# آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید  
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابه مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی  
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸





## خشکسالی؛

## حاصلات للمی در بلخ ۸۰ درصد کاهش یافته است



شکریا سعیدی

مسولان در ریاست زراعت و مالداري ولایت بلخ می‌گویند که در جریان سال روان، به دلیل نبود بارنده گی، ۸۰ درصد حاصلات للمی و ۴۰ درصد حاصلات آبی این ولایت کاهش یافته است. بلخ سالانه بیش از ۲۱۰ هزار متریک‌تن گندم تولید می‌کرد، اما خشکسالی و تغییرات اقلیمی از دلایل اصلی کاهش حاصلات گندم طی سال جاری در بلخ خوانده شده است.

محمدعالم ساعی، رییس زراعت ولایت بلخ، خشکسالی و نبود بارنده گی کافی را از دلایل کمبود حاصلات گندم در این ولایت می‌داند.

آقای ساعی در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «تغییرات اقلیمی سبب شده است که مقدار بارنده گی سالانه کم‌تر شود و ولایت بلخ نیز از این ناحیه شدیداً آسیب ببیند. ما قرار بود از ساحه کشت ۸۵ هزار هکتار زمین آبی بالای ۲۱۵ هزار متریک‌تن گندم به دست بیاوریم که فعلاً نظر به وضعیت مزرعه نشان می‌دهد که در ساحه زمین‌های آبی بالای ۴۰ درصد کاهش حاصلات وجود دارد.»

آقای ساعی تصریح کرد، در صورتی که بارنده گی می‌داشتیم، ما از ساحه ۶۵ هزار هکتار زمین للمی برای کشت گندم توقع داشتیم بالای ۹۵ هزار متریک تن گندم للمی به دست بیاوریم، اما بدبختانه سطح حاصلات ما در ساحه للمی نیز بالای ۸۰ درصد کاهش یافته است.

با این حال، کشاورزان بلخی می‌گویند که در کنار تغییرات اقلیمی و کمبود بارنده گی‌ها، آفات نباتی نیز سبب شده تا در حاصلات گندم کاهش رونما شود. بلخ ۸۵ هزار هکتار زمین آبی و ۶۵ هزار هکتار



**بلخ ۸۵ هزار هکتار زمین آبی و ۶۵ هزار هکتار زمین للمی برای کشت گندم دارد، اما خشکسالی و تغییرات اقلیمی امسال بیش‌ترین زیان مالی را به کشاورزان این ولایت وارد کرده است.**

محمدوسیم از دیگر کشاورزان در ولایت بلخ، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که امسال حاصلات للمی بسیار کم است. به گفته او، کاهش بارنده گی و آفات نباتی باعث شده که ما از زمین‌های خود حاصلات کم‌تر به دست بیاوریم. او از حکومت خواستار کمک و توزیع تخم‌های اصلاح شده است.

این کشاورزان از حکومت می‌خواهند تا زمینه آموزش‌های پیشرفته را برای‌شان مساعد بسازد و امکانات پیشرفته زراعتی را نیز در اختیارشان قرار دهد تا بتوانند از زمین کم حاصل بیش‌تر به دست آورند.

زمین للمی برای کشت گندم دارد، اما خشکسالی و تغییرات اقلیمی امسال بیش‌ترین زیان مالی را به کشاورزان این ولایت وارد کرده است. محمدبشیر در ولسوالی دهادی ولایت بلخ گندم کشت می‌کند، اما از حاصلات امسال راضی نیست. وی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «حاصلات امسال نظر به سال‌های گذشته کم‌تر است؛ چرا که امسال هوا سرد بود و بارندگی هم نبود. به همین خاطر حاصلات هم کم است. هرچند حاصلات گندم للمی نسبت به گندم آبی زیادتر است، اما چون بارنده گی نبود، حاصلات گندم للمی کم شده است.»

## ضرورت ایجاد تشکيل شورای دفاع از افغانستان و حمايت از نیروهای دفاعی - امنیتی

فردین برمکی، دیپلمات پیشین

خطاهای سابق و رفع اختلافات سلیقه‌ای در سطح رهبری و عناصر موثر احزاب جمعیت، جنبش، وحدت و دعوت و خانواده‌های حاجی قدیر، جنرال عبدالرازق و مجاهدین جنوبی، مشرقی و جنوب‌غرب به بازسازی و بسیج تشکیلات نظامی و رجوع به مردم مبادرت نوزند، پیروزی برق‌آسا در شمال علیه طالب، متأسفانه در این نزدیکی‌ها متصور نیست.

عملکرد سیستماتیک، هوشمند و تدریجی دولت مرکزی براساس محوریت فکر قومی به نفع طالبان در شمال در بیش‌تر از نیم دهه گذشته و بلاموضوع شدن داعیه مبارزه علیه طالب، نتیجه اشتباهات کشنده رهبران و فرماندهان جبهه متحد سابق بوده است. استفاده ابزار و فصلی از آن‌ها توسط اقتدار کرزی - غنی، نیز عاملی بوده که مردم را نسبت به مبارزه واقعی علیه طالب و اعتماد به حاکمیت مرکزی و رهبرانی که اعتبارشان را نزد مردم از دست داده‌اند، بی‌باور ساخته و در شکل‌گیری وضعیت منفعل فعلی شمال، نقش ایفا کرده است.

این درست است که پیروزی‌های طالب در شمال کاذب است، اما این نیز واقعیت تلخ است که این پیروزی‌ها محصول بیش از یک دهه بی‌اعتبارسازی رهبری شمال است. این کار، همه پتانسیل‌های دفاع فعال ذاتی را معدوم ساخته است. تا زمانی که مردم خود وارد معادله برای تصفیه مناطق‌شان با راهکارهای ذاتی نشوند، هم‌چنان بخش‌های زیادی از جغرافیای شمال در حیطه و کنترل طالب باقی خواهد ماند. اگر رابطه مردم و رهبری و فرماندهان سابق جبهه متحد ترمیم نشود و مردم دوباره وارد معادله دفاع جمعی نشوند، متأسفانه پیروزی زود هنگام در شمال علیه طالب ممکن نخواهد بود.

سفر اشرف غنی و داکتر عبدالله به واشنگتن نیز در معادلات جنگ در کشور تغییری به بار نخواهد آورد.

این سفر حتا باعث تسریع روند تحمیل طالب به عنوان طرف اصلی حاکمیت در افغانستان، خواهد شد. چشم دوختن به غرب و عناصر مورد اعتماد و تحمیل شده آن بر افغانستان به شکل بیست سال گذشته، نه تنها راه‌حل نیست، بل وسعت و عمق فاجعه را گستره‌تر خواهد ساخت.

غرب و در رأس آن امریکا برای نیروهای مردمی و رهبری سیاسی شمال در شرایط مابعد توافق دوحه، جز تعامل در سطح منبع اطلاعاتی به هدف دفع خطر هرگونه سازمان‌دهی و یا حمله توسط القاعده بر منافع غرب، برنامه دیگری ندارد. چالش‌های جدید مدیریت جهان، اهمیت افغانستان برای غرب را تقلیل داده است و بحث حفظ دموکراسی و مساله حقوق بشر در افغانستان در واشنگتن به دلایل تحولات موضوعی در سیاست امریکا حتا در حد گذشته نیز جایگاه ندارد.

به همین دلیل، نباید دل به گره‌گشایی غرب بست. سفر اخیر احمد مسعود به امریکا، مبین این واقعیت است. اگر رهبری شمال در این زمینه از کیاست کار نگیرند و احتیاط نکنند، نه تنها از رابط غرب بودن در سطح منبع اطلاعاتی حظی نخواهند برد، بلکه ارزش‌شان در ذهنیت‌ها پایین‌تر خواهد آمد و آن‌ها خوراک تبلیغات سیاه به نفع دشمنان رهبری جبهه متحد خواهند شد.

آن‌چه در شرایط فعلی اولویت دارد، ایجاد شورای عالی دفاع از افغانستان و حمایت از نیروهای مسلح و بسیج مردم براساس قاعده دفاع ذاتی است؛ امری که باید یگانه اولویت رهبری جبهه متحد باشد. رهبران و فرماندهان جبهه متحد در بسیج نسل جوان حامی روایت سیاسی آن جبهه، نقش تاریخی‌شان را باید ایفا کنند.

جمعیت باید در محوریت جبهه متحد قرار گیرد و صلاح‌الدین ربانی به عنوان رییس جمعیت، عطامحمد

مسولان ریاست زراعت بلخ می‌گویند که همه‌ساله مقدار زیادی تخم‌های اصلاح شده برای کشاورزان در بلخ توزیع می‌شود، اما کمبود بارنده گی‌ها از دلایل اصلی کاهش حاصلات گندم به شمار می‌رود. محمدعالم ساعی، رییس زراعت بلخ، در این رابطه گفت: «در سال گذشته بالای ۲۵ هزار دهقان را ما تحت پوشش خود داشتیم که انواع مختلف تخم‌های بذری به این‌ها توزیع شده و در سال جاری هم تلاش داریم این‌ها تحت پوشش قرار بگیرند.»

بیش‌تر گندم در ولسوالی‌های بلخ، دولت‌آباد، چهاربولک، چمتال، نهرشاهی، شولگره و دهادی ولایت بلخ کشت می‌شود.

در همین حال وزارت زراعت، آبیاری و مالداري اعلام کرده که میزان تولید گندم در جریان سال روان خورشیدی در کشور در مقایسه با سال گذشته ۲۴ درصد کاهش خواهد یافت. براساس پیش‌بینی‌های این وزارت، امسال بیش از چهار میلیون تن گندم در کشور تولید خواهد شد. این مقدار گندم در مقایسه با تولیدات سال پار ۲۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد. براساس اعلام وزارت زراعت، خشکسالی روی تولید گندم للمی در کشور تأثیر گسترده‌ای برجای گذاشته است. براساس پیش‌بینی این وزارت، میزان تولید گندم للمی در جریان امسال ۶۲ درصد و تولید گندم آبی ۳ درصد کاهش خواهد یافت.

وزارت زراعت تأثیر خشکسالی روی مالداري در بیش‌تر ولایت‌های کشور را نیز زیان‌بار می‌خواند. براساس معلومات این وزارت، برنامه‌های منظمی برای تهیه علوفه برای دام‌ها از سوی وزارت زراعت در جریان امسال روی دست گرفته شده است.

قابل یادآوری است که خشکسالی در حالی کشاورزی و مالداري در کشور را تهدید می‌کند که در زمستان گذشته میزان بارش برف کاهش چشم‌گیری داشت. به باور کارشناسان محیط زیست، بروز خشکسالی از پیامدهای مستقیم تغییر اقلیم است و افغانستان برای سال‌های سال با این چالش دست‌وپنجه نرم خواهد کرد.

نور، احمدضیا مسعود و اسماعیل خان با عبور از شکررنجی‌ها، سلیقه‌گرایی‌ها و اشتباهات کشنده و غیرموجه گذشته، جغرافیای جمعیت و فرماندهان آن را برای بسیج مردم و ایجاد هسته‌های دفاع فعال در کشور مساعد سازند. حزب جمعیت باید در تعامل استراتژیک و هماهنگی و هم‌گرایی مطلق با حزب وحدت، حزب جنبش ملی اسلامی، مجاهدین غرب، جنوب‌غرب، جنوب و جنوب‌شرق، حزب دعوت، خانواده‌های حاجی قدیر و جنرال عبدالرازق و سایر شخصیت‌های تأثیرگذار و وطن‌دوست، در چارچوب شورای دفاع از افغانستان و حمایت از نیروهای مسلح ابتکار عمل را برعهده گیرند و در این زمینه هرچه عاجل اقدام کنند. هر گونه تعلل در این زمینه، تبعات فاجعه‌باری دارد که تلافی آن در کوتاه‌مدت ممکن نیست. در صورت وقوع چنین سناریوی سیاهی، نسل‌های آینده در قبال رهبری فعلی داوری سختی خواهند داشت.

ادامه کینه‌توزی و عدم همکاری بین رهبری جمعیت و ناهماهنگی بین جمعیت، وحدت و جنبش برای صیانت از منافع مردم و حراست از جغرافیای کشور، نه تنها قابل توجیه نیست، بل خیانتی است که نسل اندر نسل هزینه آن را خواهیم پرداخت.

اقدامات رهبری سیاسی شورای دفاع از افغانستان نباید محصور بعد امنیتی و دفاعی باشد، بلکه این شورا مکلف است با کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی از جمله کشورهای غربی، روسیه و چین بر سر نجات افغانستان از سقوط و تسلط یک مجموعه خشونت‌گرا و فاقد برنامه، به رأی‌زنی نشینند و مساله صلح و جنگ را از منظر تامین و حراست از حقوق عامه مردم مدیریت کند.

جبهه مقاومت، ظرفیت‌های امنیتی و نظامی زیادی دارد و یقیناً با فعال‌سازی آن ظرفیت‌ها، وضعیت تغییر خواهد کرد. پیروزی کاذب طالب در شمال در صورت بازسازی جبهه مقاومت، پایان طالبان‌بیس در کشور را رقم خواهد زد.



## برنده دو ماه جنگ کی بود؟



**حداقل در دو ماه  
اخیر، طرف‌های  
جنگ نیز هزینه‌های  
جانی و مالی بسیار  
سنگینی پرداختند؛  
اما به هیچ چیزی  
نرسیدند. تنها  
کسانی برنده این  
دو ماه جنگ‌اند  
که سال‌ها برای  
حاشیه‌نشینی آن‌ها  
تلاش شد؛ اما  
اکنون راه برگشت  
آن‌ها به متن قضایا  
هموار شده است.**

می‌شوند، فرزندان مردم همین کشور هستند، به استثنای تعدادی از خارجی‌هایی که در صفوف طالبان می‌جنگند. از سوی دیگر، آنچه مردم از دست داده‌اند، اندک آرامشی است که پس از سال ۲۰۰۱ به دست آورده بودند. این آرامش پس از سال ۲۰۰۵ کم‌کم رو به زوال گذاشت و اکنون به جایی رسیده است که در هیچ گوشه‌ای از کشور نمی‌توان آن را یافت. زنده‌گی در شهرها را حملات انتحاری، انفجاری و موتریم‌ها ناآرام کرده است و زنده‌گی روستایی را حملات مستقیم طالبان و سپس درگیری شدید بین دو طرف جنگ.

مسأله دیگر، باخت آرزوها و رویاها است. مردم ضمن آن که جان و مال‌شان در خطر است و آرامش ندارند، رویاهای‌شان هم مرده است. وقتی در موترهای لینی رفت‌وآمد می‌کنیم یا در هر جمعی سخن از وضعیت و آینده می‌شود، هیچ آرزو و امیدی دیده نمی‌شود. نه اعتماد وجود دارد و نه آرزو و رویا. مرگ رویا و امید، زمینه‌سازی برای استفاده از فرصت‌های آینده را از شهروندان کشور می‌گیرد. وقتی امیدی نباشد، هیچ برنامه‌ریزی‌ای هم برای فردا نمی‌شود. مردم می‌شوند گروهی که بدون هیچ برنامه‌ای در یک مسیر تاریک و مبهم قدم می‌گذارند و دشواری‌ها و پایان مسیر را نمی‌دانند.

## امریکا و جامعه جهانی

خروج امریکا و شرکایش از افغانستان را هر نامی که بدهیم/بدهند، چیزی جز شکست در برابر افراطیت نیست. جامعه جهانی و در رأس امریکا به افغانستان آمد تا علیه تروریسم بجنگد و جهان خالی از تروریست بسازد. اکنون در وضعیتی از افغانستان خارج می‌شود که دنیا تروریست‌های بیش‌تر و خطرناک‌تری دارد. وقتی جامعه جهانی آمد، طالبان و القاعده در افغانستان فعال بودند؛ اما در وقت خروج آن، بیش از ۲۰ گروه تروریستی در این کشور حضور فعال دارند و علیه دولت و مردم می‌جنگند. این گروه‌ها امنیت افغانستان و کشورهای منطقه را هدف قرار داده‌اند. خروج نیروهای خارجی، هیچ معنایی جز شکست آن‌ها در برابر روایت‌های افراطی در افغانستان ندارد. مأموریت‌های آن‌ها ناتمام ماند، وضعیت خوب نشد و خطر هنوز همراه همیشه‌گی مردم است.

## برنده کی بود؟

این جنگ خانه‌های بسیاری را ویران کرد، مادران و پدران بسیاری را به سوگ فرزندان جوان‌شان نشاند، نوعروسان بسیاری را در آغاز زنده‌گی مشترک‌شان بیوه کرد، کودکان بسیاری را یتیم ساخت، جوانان بسیاری را به سینه قبرستان فرستاد، زیرساخت‌های بسیاری را نابود کرد و تمام آرزوهای خوب مردم را کشت. حداقل در دو ماه اخیر، طرف‌های جنگ نیز هزینه‌های جانی و مالی بسیار سنگینی پرداختند؛ اما به هیچ چیزی نرسیدند. تنها کسانی برنده این دو ماه جنگ‌اند که سال‌ها برای حاشیه‌نشینی آن‌ها تلاش شد؛ اما اکنون راه برگشت آن‌ها به متن قضایا هموار شده است.

قوماندان‌بازی‌هایی که مدتی بود رنگ چندانی نداشت، حالا تیتیر اول است. فرماندهان جهادی و «نیروهای مسلح غیرمسوول» به چیزی که همیشه می‌خواستند، اما باور به تحققش نداشتند، رسیدند. آنان اکنون دست باز دارند که از منابع مختلف پول و سلاح برای جنگ تدارک ببینند، به میل خود جبهه تشکیل بدهند و دوست و دشمن تعریف کنند و مطابق قانون خود وارد میدان شوند یا حاشیه امن بخرند. به دلیل وحشتی که طالبان راه انداخته‌اند و از سوی دیگر ناامیدی‌ای که از دولت به وجود آمده، این حرکت‌ها مورد استقبال مردم هم قرار گرفته است. دولت، طالبان و مردم اما باختند؛ چون هیچ کدام به چیزی که می‌خواستند، نرسیدند. دولت جغرافیا، تعدادی از نیروهای امنیتی و اعتماد مردم را از دست داد، طالبان ضمن نابود کردن جبهه و اعتماد کاذب به این گروه، موجبات ایجاد جبهه‌های بسیار قوی علیه خود را فراهم آوردند و مردم جان، مال، آرامش و رویاهای‌شان را از دست دادند. امریکا هم با این خروج، اتوریته‌اش را با خطر و پرسش جدی مواجه کرد.

حکومت به حساب می‌آید که چندان کوچک هم نیست. برگرداندن این اعتماد، کاری بس طاقت‌فرسا و زمان‌بر است.

شکست دیگر دولت در برابر «جزیره‌های قدرت» و صاحبان آنان است. رییس جمهور غنی پس از روی کار آمدن در سال ۱۳۹۳، همواره تلاش کرد آنچه به جزیره‌های قدرت مشهور است را برچیند. خلع عطا محمد نور از ولایت بلخ و بازداشت و زندانی کردن نظام‌الدین قیصاری را می‌شود در همین کانتکست معنا کرد. در کابل نیز رییس جمهور غنی تلاش کرده است دست رهبران جهادی را از خوان قدرت کوتاه و کوتاه‌تر کند؛ هر چند هراز چندگاهی مجبور شده تعدادی از آن‌ها را برای مهار وضعیت و رسیدن به نتیجه مطلوب در کنارش بگیرد. اکنون که طالبان ولسوالی‌ها را یکی پی دیگری سقوط می‌دهند و حتی تا دروازه‌های شهرهای بزرگ رسیده‌اند، او مجبور شده است پس از هفت سال مبارزه با جزیره‌های قدرت، از آنان استمداد جوید. هفت سال مبارزه غنی

## قوماندان‌بازی‌هایی که

## مدتی بود رنگ چندانی

## نداشت، حالا تیتیر اول است.

## فرماندهان جهادی و «نیروهای

## مسلح غیرمسوول» به چیزی که

## همیشه می‌خواستند، اما باور به

## تحققش نداشتند، رسیدند. آنان

## اکنون دست باز دارند که از منابع

## مختلف پول و سلاح برای جنگ

## تدارک ببینند، به میل خود جبهه

## تشکیل بدهند و دوست و دشمن

## تعریف کنند و مطابق قانون خود

## وارد میدان شوند یا حاشیه امن

## بخرند. به دلیل وحشتی که طالبان

## راه انداخته‌اند و از سوی دیگر

## ناامیدی‌ای که از دولت به وجود

## آمده، این حرکت‌ها مورد استقبال

## مردم هم قرار گرفته است. دولت،

## طالبان و مردم اما باختند؛ چون هیچ

## کدام به چیزی که می‌خواستند،

## نرسیدند. دولت جغرافیا، تعدادی از

## نیروهای امنیتی و اعتماد مردم را از

## دست داد، طالبان ضمن نابود کردن

## جبهه و اعتماد کاذب به این گروه،

## موجبات ایجاد جبهه‌های بسیار قوی

## علیه خود را فراهم آوردند و مردم

## جان، مال، آرامش و رویاهای‌شان

## را از دست دادند. امریکا هم با

## این خروج، اتوریته‌اش را با خطر و

## پرسش جدی مواجه کرد.

با این جزیره‌ها، به هدر رفته است و او برای دور کردن این رهبران جهادی از قدرت، باید بار دیگر -اگر وضعیت خوب شود- همین راه را برود. هفت سال تلاش برای نابودی افراد مسلح غیرمسوول، بی‌نتیجه پایان یافت و اکنون طرح مسلح‌سازی در نقطه‌نقطه کشور از سوی دولت حمایت می‌شود.

## طالبان

پس از امضای توافق‌نامه دوحه میان گروه طالبان و امریکا، خواسته یا ناخواسته از سوی امریکا و متحدانش از یک طرف و کشورهای منطقه از طرف دیگر، برای این گروه وجهه داده شد. حتی در داخل کشور، برخی از مردم باور کردند که طالبان ۲۰۲۱ با طالبان ۱۹۹۶ تفاوت بسیاری دارند و اکنون این طالبان مدرن و انعطاف‌پذیر هستند. تعدادی از رهبران هم تلاش کردند با این گروه روابط برقرار کنند و باور داشتند که در فردای امضای توافق‌نامه احتمالی صلح، از سوی طالبان در نظام آینده پذیرفته می‌شوند و برای‌شان جایگاه داده می‌شود. به همین منظور، بارها برای ملاقات با آن‌ها به بیرون از کشور رفتند و با آن‌ها دیدار داشتند. حتی یکی از رهبران نمازش را به امامت یک طالب به جا آورد. این برخوردها با طالبان، نوعی اعتماد کاذب را نسبت به این گروه در میان مردم خلق کرد.

اکنون که جنگ ویرانگر در تمام کشور به جریان افتاده و جوی خون جاری است، همان اعتماد کاذب نسبت به طالبان هم از میان رفته است. علاوه بر آن، رهبرانی که برای ملاقات با طالبان راه دور و درازی را تا دوحه و مسکو طی می‌کردند، اکنون شعار جنگ علیه طالبان و مقاومت در برابر این گروه سر می‌دهند. احمد مسعود، پسر احمدشاه مسعود که می‌گفت حاضر است برای برقراری صلح، طالبان و قاتلان پدر خود را ببخشد، اکنون در حال صف‌آرایی نظامی علیه این گروه است. عطا محمد نور، عباس ابراهیم‌زاده و محمد محقق هم از کابل به شمال رفته‌اند تا علیه طالبان جبهه جنگ تشکیل دهند. ماشال دوستم هم از چندی به این سو عملاً در مقابل طالبان می‌جنگد.

آنچه دو ماه جنگ برای طالبان آورد، نه امتیاز برای چانه‌زنی در میز مذاکره بود و نه اعتبار بیش‌تر؛ این گروه فقط با مردم روبه‌رو شد و جبهه‌های علیه خود ایجاد کرد که عبور از آن به ساده‌گی میسر نیست؛ چنان‌چه جمع کردن این جبهه‌ها و خلع سلاح افراد غیرمسوول توسط دولت نیز کار ساده‌ای نیست. در چند روز اخیر به همان میزانی که خبر سقوط ولسوالی‌ها توسط طالبان را می‌شنویم، خبر ایجاد جبهه و خیزش مردمی علیه این گروه را نیز می‌شنویم.

## مردم

مردم در میان جنگ طالبان و دولت، بازنده اصلی هستند. هر قدر از دو طرف جنگ کشته و زخمی

پس از آغاز روند خروج نیروهای خارجی از کشور، طالبان حملات‌شان بر مواضع و اراضی تحت تسلط دولت را افزایش دادند. در نتیجه، یک درگیری تمام‌عیار به وقوع پیوست که آمار تلفات سه طرف (دولت، طالبان و غیرنظامیان) را به شدت افزایش داد. بنا بر گزارش روزنامه ۸ صبح که در آن از گزارش «اکلد» نیز استفاده شده، آمار روزانه قربانیان جنگ از ۷۵ نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۷۵ نفر از اول جنوری تا ۱۸ جون ۲۰۲۱ افزایش یافته است. براساس گزارش نهاد اکلد، این جنگ از اول جنوری ۲۰۲۱ تا ۱۸ جون سال جاری، ۳۰ هزار و ۵۱۰ نفر تلفات داشته است. با توجه به این‌که بخشی از قربانیان جنگ ممکن ثبت نشده باشند، احتمال افزایش این آمار وجود دارد. با این حال، در ماه می دولت و طالبان هرکدام بر مناطق تحت سیطره خود حاکم ماندند و واحدهای اداری دست‌به‌دست نشد. طبق گزارش‌ها، در این ماه دولت در میدان‌های جنگ دست بالا داشت.

در ماه جون اما وضعیت تغییر کرد. طالبان در این ماه بر مراکز ولسوالی‌ها حمله کردند و تاکنون بیش از ۶۰ ولسوالی را از کنترل دولت خارج کرده‌اند، هر چند در مواردی چندین ولسوالی از سوی دولت پس گرفته شده است.

اما این همه قربانی و تلفات، برای طرف‌های جنگ و مردم افغانستان چه داشته است؟ به صورت خلاصه می‌توان گفت جز انبوهی از کشته‌ها، مصیبت‌ها و قبرهای کنارهم، این جنگ دیگر هیچ دستاوردی برای هیچ‌کدام از این سه طرف نداشته است. دولت و طالبان به عنوان دو طرف جنگ، هردو بازنده این جنگ‌اند و طرف سومی که مردم عادی و غیرنظامیان باشند، نیز در این میان بدون به دست آوردن چیزی، بدترین قربانی‌ها را داده‌اند. در ادامه، به باخت‌های سه طرف در دو ماه جنگ اخیر اشاره می‌شود.

## دولت

به صورت کل دو ماه جنگ، به خصوص در ماه جون، دولت بازنده بوده است. در ۲۰ سال اخیر، هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده بود که ۱۲ تا ۱۷ ولسوالی در یک شبانه‌روز توسط طالبان سقوط داده شود. سقوط پر شمار این ولسوالی‌ها، از یک طرف بر دولت و نیروهای امنیتی بار بسیار سنگین و تلخ تلفات را گذاشت و از سوی دیگر وجهه دولت را مورد پرسش قرار داد. این مسأله، به خصوص که اکثر قریب به اتفاق ولسوالی‌های ساقط شده در سمت شمال است، این گمانه‌زنی را در میان مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده است که ممکن دولت عمدا نخواهد جلو پیش‌روی طالبان در شمال را بگیرد؛ جایی که به طور سنتی حوزه نفوذ رهبران جهادی از جمله مارشال دوستم، محمد محقق، عطا محمد نور، ربانی و... بوده است. این مسأله به اعتماد مردم نسبت به حکومت به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی، آسیب رساند و این یک شکست برای



# دورنمای «دین در دام وهم»

کتاب «دین در دام وهم» بخشی از تلاش آقای هادف و تلاش های او بخشی از تلاش جمعی از اهل قلم افغانستان است؛ کسانی که رسالت احساس می‌کنند و تصور می‌کنند که با نیروی قلم می‌شود به مصاف تاریکی‌ها و تاریک‌اندیشی‌ها رفت، خصوصاً در این دورانی که خون و جنایت و تباهی متأسفانه در محیط ما موج می‌زند و این امر کم‌وبیش به حق یا ناحق به نام دین نسبت یافته و با امر دینی گره خورده است.

محمد مُق



**عنصر دین یا ایدئولوژی دینی و یا ایدئولوژی‌های پرداخته‌شده به نام دین، تبدیل به یک بازیگر جدی در تحولات و حوادث ۳۰ - ۴۰ سال اخیر ما شده و امروز هم با قوت در این بازی سهیم است و کافی نیست که ما با شعارهای بسیار کلی و عاطفی به سراغ قضیه برویم که گویا دین اسلام میرا است از این اعمالی که به نام آن انجام می‌شود و یک مشت جنایت‌پیشه آمدند و دین را تباہ کردند و یا تباہ می‌کنند. این ادعا در یک حدی درست است؛ ولی قضیه خیلی پیچیده‌تر از این است.**

آشنایی من و آقای هادف نسبتاً دیرینه است و به سالیان دور برمی‌گردد؛ به دوره‌های پیش از حوادث یازدهم سپتامبر، زمانی که وی در کلیه (دانشکده) زبان عربی درس می‌خواند. پسان در وزارت خارجه و باز یک دوره در سفارت افغانستان مقیم قاهره همکار بودیم. ما نوشته‌های هم‌دیگر را خوانده‌ایم و هنوز هم می‌خوانیم. اغلب وقت‌ها مطالبی را که در فیس‌بوک می‌گذارد، مطالعه می‌کنم و مستفید می‌شوم. به دور از این که ما باهم رفیق هستیم و به هر حال رفاقت یک نوع پیوند عاطفی و احساسی هم به وجود می‌آورد و آدم نمی‌تواند کاملاً بی‌طرفانه به مسائل بپردازد؛ ولی کوشش می‌کنم که تا حد امکان به عنوان یک ناظر بیرونی و یک روایت‌گر، نظر خود را در رابطه به کار اخیر آقای هادف نقل و خدمت دوستان عرض کنم.

کتاب «دین در دام وهم» بخشی از تلاش آقای هادف و تلاش‌های او بخشی از تلاش جمعی از اهل قلم افغانستان است؛ کسانی که رسالت احساس می‌کنند و تصور می‌کنند که با نیروی قلم می‌شود به مصاف تاریکی‌ها و تاریک‌اندیشی‌ها رفت، خصوصاً در این دورانی که خون و جنایت و تباهی متأسفانه در محیط ما موج می‌زند و این امر کم‌وبیش به حق یا ناحق به نام دین نسبت یافته و با امر دینی گره خورده است. ما در واقع با پدیده‌ای مواجه هستیم که زنده‌گی را برای بسیاری از ما دشوار ساخته است به علت مهاجرت‌ها، آواره‌گی‌ها، گریزها، فرارها و یا به سر بردن زیر چماق تکفیرها و تهدیدها. این خود شرایط تلخی است که در چند دهه اخیر به وجود آمده است. طبیعی است که هیچ انسان صاحب رسالت و مسوولیت و کسی که احساس اخلاقی و تعهد وجدانی داشته باشد، نه تنها از بعد دینی که حتا از نظر صرف وطنی یا انسانی و به هر شکلی از اشکال نمی‌تواند تماشاچی وضعیت باشد و مسوولیت احساس می‌کند که اگر بتواند در رفع این مشکل و در دور ساختن و تغییر این وضعیت، سهمی بگیرد. صاحبان قلم و اندیشه در پیشاپیش انسان‌هایی قرار دارند که می‌خواهند برای بهبود وضعیت، کار اساسی و بنیادی انجام دهند.

دشواری قضیه اما در این است که معضل کنونی جامعه ما معضلی تک‌بعدی نیست. ما تنها با یک امر صرف دینی یا سیاسی یا نظامی و یا ضد امنیتی مواجه نیستیم، ما در حقیقت با یک معضل چندلایه روبه‌رو هستیم که ما را به شدت کلافه و زمین‌گیر ساخته و هم دنیا را کم‌وبیش دچار سردرگمی و درجا زدن قرار داده است. این موضوع ساده‌ای نیست که قدرتی مثل ناتو و کشورهای قدرتمند عضو آن و بسیاری از کشورهای دیگر هم در کنار این‌ها سهیم شوند و باز در یک وضعیت نزدیک به بیست سال در این جا نیرو داشته باشند و سرباز و پول و همه زور نظامی و سیاسی و تکنولوژیکی خود را استفاده کنند؛ ولی در پایان بی‌هیچ نتیجه مشخصی خود را از این میدان بکشند و راضی باشند به این که از این باتلاق جان به سلامت ببرند و بیش از این چنین باری را کش نکنند.

این پدیده، بسیار تأمل‌برانگیز است و نشان می‌دهد که ما با یک معضل جدی روبه‌رو هستیم. این ناتوانی تنها متوجه نیروهای خارجی نیست. وقتی نوبت به ما هم می‌رسد، ما که فرزندان همان وطنیم، صرف نظر از این که به کدام حزب، جناح، نیرو، جریان، فکر، مذهب، زبان، ولایت و سمت کشور تعلق داریم، همه در واقع با یک بحران سخت و نفس‌گیر روبه‌رو و دست به گریبانیم و همه رنج می‌بریم و همه به این فکر می‌کنیم که راه چاره و بیرون‌رفت از این وضعیت پیچیده چه خواهد بود؟ ما هم ناتوانی و عجز خود را احساس می‌کنیم؛ حالی که درمانده شده‌ایم و این درمانده‌گی را شما می‌توانید در روح و روان افغان‌ها، در ناامیدی و یأس‌شان، در توطئه‌اندیشی‌شان، در به جان

پیش‌پافتاده‌گی پیدا می‌کند و قضیه به یک حالت ابتذال می‌رسد که به راحتی می‌شود از روی جان و زنده‌گی انسان‌ها گذشت و بر تمام این‌ها پا گذاشت؛ البته بدون همین وضعیت سرطانی که این روایت شیطانی از دین در جامعه ما پیدا کرده است، امکان شکل‌گیری چنین فاجعه‌ای نبود. درست است که همه جوامع، اگر تاریخ را ببینیم، بحران‌های سختی را پشت سر گذاشته‌اند و در جاهای مختلف مثلاً درگیری‌های نژادی و قومی و حمله امپراتوری‌ها و کشورگشایان و جنگ‌های داخلی و غیره رخ داده است؛ اما وقتی قضیه این قدر با دین و امر مقدس درهم‌تنیده می‌شود، تبدیل به یک فاجعه غیرقابل مهار می‌گردد.

امروز ما همه عاجز آمده‌ایم و باید اعتراف و قبول کنیم که ما عاجز آمدیم از این که این معضل را مهار کنیم. همه حالا به حداقل‌هایی راضی شده‌ایم. امروز شما ببینید که این فاجعه به کجا رسیده است که ما موجود شرور و جنایت‌کار و جنایت‌باری مثل طالب را ناگزیر شویم به کنار خود بپذیریم و با عذر از او خواهش کنیم تا بیاید و در کنار ما بنشیند و ما دست برادری به او دهیم و تمام صفحه جنایت‌بار او را کنار بگذاریم و به فراموش‌خانه تاریخ بسپاریم به امید این که جنایت بیشتر از این رخ ندهد؛ اما طرف مقابل هنوز با غرور شیطانی خود آماده نباشد که به صلح تن دهد. این وضعیت، وضعیت ساده‌ای نیست و در واقع درمانده‌گی ۳۵ میلیون انسان این سرزمین به شمول دانشمندان، اکادمیسین، مجاهد، قوماندان جهادی، روشن‌فکر چپ و راست، سکولار، صوفی، عارف و غیره را نشان می‌دهد. ما همه درمانده‌ایم و در یک وضعیت فلاکت‌بار و وحشت‌ناکی گیر آمده‌ایم.

در چنین وضعیتی ما ناگزیریم تا از بعضی ملاحظات سطحی بگذریم و برویم به سراغ ریشه‌های عمیق‌تر قضیه. ریشه‌های عمیق‌تر قضیه اما ریشه‌های تئولوژیک مسأله و ریشه‌های الهیاتی قضیه است. اصلاً خدا در درون چنین انسانی چگونه نقش می‌بندد و در روان چنین انسانی چه تصویری از خود نشان می‌دهد که او این قدر عطش پیدا می‌کند برای خون ریختن و این همه توحش پیدا می‌کند برای نقش آفریدن شیطانی در تاریخ و باز همه را می‌تواند زیر نام دین انجام دهد و راحت هم باشد و تنها خود او نه که ده‌ها و صدها نفر دیگر هم باشند که او را شهید یا استشهادی بگویند و او را تمجید کنند و باقی‌مانده لباس و بدن کثیف او را متبرک بدانند؟ این‌ها قصه‌های تکان‌دهنده‌ای است که ما از گوشه‌وکنار می‌شنویم.

بنابراین، ما در حقیقت با یک معضل و با یک بحران و یک پدیده بسیار خطرناک مواجه هستیم و در این‌جا است که ما ناگزیریم، طوری که آقای هادف در نوشته خود اشاره کرده است، به سراغ نقد دین برویم. نقد دین به معنای نفی دین نیست. نقد دین به معنای تشخیص سره از ناسره است. به معنای تبیین یک وضعیت است که دیانت واقعی یا دیانتی که باید باشد و یا دیانتی که هست تا دیانتی که باید باشد، چیست؟ دیانتی که انسان را از اخلاق، از خرد و از فضیلت دور کند و تبدیل شود به مایه‌ای از تباهی و یأس و وحشت و ناامیدی و هراس و رعب و ارهاب، طوری که ما همین اکنون در افغانستان می‌بینیم که مردم شب راحت نمی‌خوابند و صبح راحت از خانه بیرون نمی‌شوند و باز مطمئن نیستند که تا شام زنده برمی‌گردند و یا خیر، این، محصول همین چیزی است که به نام دین در جامعه تولید شده است/ می‌شود. بنابراین، نقد دین به معنای بازشکافی و کالبدشکافی دین به منظور بیرون کشیدن گوهر اخلاقی دین از میان این همه روایت خرافی و روایتی به گفته آقای هادف «وهم‌آلود» از دین، یک رسالت اخلاقی است.

ادامه در صفحه ۹

پرداخته‌شده به نام دین، تبدیل به یک بازیگر جدی در تحولات و حوادث ۳۰ - ۴۰ سال اخیر ما شده و امروز هم با قوت در این بازی سهیم است و کافی نیست که ما با شعارهای بسیار کلی و عاطفی به سراغ قضیه برویم که گویا دین اسلام میرا است از این اعمالی که به نام آن انجام می‌شود و یک مشت جنایت‌پیشه آمدند و دین را تباہ کردند و یا تباہ می‌کنند. این ادعا در یک حدی درست است؛ ولی قضیه خیلی پیچیده‌تر از این است. ما باید ببینیم و با واقعیت تلخ روبه‌رو شویم که همان انسانی که دست به عمل انتحاری می‌زند، آدمی که می‌آید و یک عالم دین را ترور می‌کند، کسی که مسجد یا مکتب و پل‌ها و سرک‌ها و خیابان‌ها و شاهراه‌های ما را ویران می‌کند، همه این‌ها و یا بخش زیادی از آنان با انگیزه دین خود را قناعت می‌دهند. در اثر تبلیغاتی که از آدرس دین در مدارس پاکستان یا در بخشی از مناطق افغانستان و یا سایر کشورهای همسایه ما به راه افتاده است و یا تبلیغاتی که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اینترنت و غیره وجود دارد که گویا در این جا نبرد، نبرد کفر و ایمان و حق و باطل است و نبرد نور و ظلمت و چنین و چنان است و با یک روایت شیطانی از وضعیت کنونی کشور و جامعه ما، این بخش از انسان‌ها را انگیزه می‌دهند و باورمند می‌کنند. باز چنین فردی مسلح‌شده با سلاح دین و با ابزار اعتقادی بسیار ستبر و با انگیزه پرورش‌وخورش ایمانی آماده می‌شود تا از جان خود بگذرد و همراه دیگر را هم به نابودی بکشاند و در نهایت امر، امید به آینده را از یک ملت بگیرد.

ما ناچار هستیم تا به ریشه‌های ریزتر قضیه برویم و ببینیم که چگونه و چه روایتی از دین در خلال این ۳۰ - ۴۰ سال شکل گرفته است و این مدرسه‌ها یا آن مراکز و آن نظام‌های استخباراتی و آن رسانه‌ها چه روایتی را با چه عناصر و چه مولفه‌هایی تبلیغ و ترویج می‌کنند که کشتن آدمی این همه سهولت و ساده‌گی و

هم افتادن‌شان، در هیاهوهای بی‌جایی که به راه می‌افتد و در دعوای غلطی که در سرزمین ما جریان دارد، احساس کنید. به هر حال، برای شکافتن چنین پدیده پیچیده و چندلایه‌ای، هیچ گزیری و هیچ چاره‌ای نیست جز این که صاحبان اندیشه و فکر و مطالعه و کسانی که اهل قلم و تحقیق و پژوهش‌اند، همه آستین بالا بزنند و به ریشه‌یابی عواملی بپردازند که به شکل‌گیری وضعیت کنونی انجامیده است. به نظر من، یک دانش و دو دانش یا چند دانش مشخص در این راستا کافی نیست. در حقیقت جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان، انترپولوژیست‌ها، تاریخ‌نگاران و تاریخ‌دانان، فلاسفه، متکلمین، فقها، حقوق‌دانان، دین‌شناسان و دین‌پژوهان همه می‌توانند در گوشه‌ای از این روند سهم بگیرند. وقتی این نیرو و توان یک‌جا شود، امید می‌رود که ما ابتدا در فهم پدیده و باز در ارایه نسخه‌ها و راه‌حل‌هایی برای برطرف کردن این معضل و عبور از این وضعیت، کامیاب‌تر باشیم.

تلاش جناب آقای هادف در چنین بستری برای من معنا پیدا می‌کند. یعنی بخشی از همان تلاش‌هایی است که به شکل جدی انجام می‌شود تا با نیروی قلم این پدیده را بشکافد. طبعاً در نوشته آقای هادف به ابعاد دیگر مسأله پرداخته نمی‌شود؛ چرا که فی‌المثل بعد استخباراتی معضل کنونی افغانستان ربطی به موضوع کتاب وی ندارد و کاری است که متخصصان امنیت و استخبارات باید انجام دهند. جنگ کنونی در افغانستان یک لایه ضخیم استخباراتی دارد. کسانی که بحث را از منظر ژئوپلیتیک می‌کاوند، می‌توانند داده‌های فراوانی از این حیث در این صحنه ببینند و قرائت خود را داشته باشند و ریشه‌های دیگری برای این مشکل با راه‌حل‌های متناسب با دید و درک خود پیدا کنند؛ به همان ترتیب، جامعه‌شناسان یا علمای سیاست و غیره. ولی بخواهیم یا نخواهیم جای انکار نیست که یکی از لایه‌های اساسی معضل کنونی ما لایه دینی قضیه است. عنصر دین یا ایدئولوژی دینی و یا ایدئولوژی‌های



# دورنمای «دین در دام وهم»



در این راستا کار آقای هادف و دوستانی همانند وی که این تلاش را می‌کنند، بسیار ارزنده و قابل قدر و ستایش است و نیازمند این است که باید تشویق شود و باید تعداد بیش‌تری از قلم‌ها و استعدادها و ما و تعداد بیش‌تری از دوستان صاحب بیان ما در رسانه‌ها و در شبکه‌های اجتماعی و در جاهای مختلف فعال شوند تا ما بتوانیم بخشی و یا حداقل گوشه‌ای از این مشکل را به کمک فکر و اندیشه و دانش حل کنیم.

حالا به سراغ خود کتاب و نوشته بیاییم و به طور عینی‌تر درباره آن حرف بزنیم:

۱. نخست عنوانی که انتخاب شده «دین در دام وهم»، عنوان نو و جدید است؛ تقلیدی نیست و در آن ابتکار دیده می‌شود. برای صاحب یک اثر مسأله ابتکاری بودن و تقلیدی نبودن خیلی مهم است و این در واقع یک معیار است برای سنجش کار. از این جهت به نظر من، عنوان خوبی برای کتاب انتخاب شده است، هرچند شاید برای بعضی خواننده‌ها مأنوس به نظر برسد و برای بعضی نرسد. من سالیان پیش کتابی از سید محمد خاتمی از ایران خوانده بودم که «آیین و اندیشه در دام خودکامه‌گی» نام داشت. البته آن یک مجموعه درس‌هایی بود که او در یکی از دانشگاه‌های تهران در رابطه به ارزیابی تاریخ صدر اسلام داده بود که چگونه خلافت راشد تبدیل به یک نظام ملوکیت استبدادی شد. او روایت خود را از آن دوره تاریخی به دست داده بود؛ البته ناظر به تجربه خود آنان. یعنی تمرکز و تأکید او بر بُعد استبداد بود؛ رنجی که آن جامعه برده است.

ما در جامعه‌ای هستیم که برای صاحب قلم ما بیش‌تر این جنبه جلب توجه می‌کند که دین در دام چه چیزی افتاده است؛ در دام خرافه یا در دام وهم و یا در دام «ایدئولوژی‌های دکماتیستی»؟ به هر ترتیب، قرائت آقای هادف از قضیه گویا همین است و از عنوان برمی‌آید که از نظر وی عنصری که مسأله را برجسته می‌کند، این است که دین در جامعه ما در دام مجموعه‌ای از توهمات افتاده است. این هم البته نکته قابل تأملی است و برای خواننده موافق یا مخالف، پیام دارد. هرچند به لحاظ تعریفات، من

متوجه نشدم که آیا آقای هادف به طور مشخص به تعریف وهم پرداخته یا نپرداخته و منظور خود را مشخص کرده و یا خیر؟ این امر شاید گاهی وقت‌ها برای خواننده ابهام ایجاد کند که مراد از وهم در عنوان «دین در دام وهم» دقیقاً چیست؟ طبعاً در لابلای کتاب مصداق‌هایی از وهم تذکر داده شده است.

۲. نکته دومی که در این نوشته توجه مرا جلب کرد، نثر آقای هادف است که نثر روان و امروزی است. در آن تکلف دیده نمی‌شود، سگته‌گی و شکسته‌گی ندارد و کهنه و فرسوده هم نیست. یک نثر امروزی است؛ نثر روان و ساده است و در جاهایی تعبیرات و ترکیبات بدیع ادبی آمده و بعضی استعاره‌های زیبا هم یافت می‌شود. به نظر من در بحث‌های فکری خوب است که ما زبان بسیار پیچیده و مبهم و معقد نداشته باشیم؛ بلکه یک زبان روان باشد که بتواند پیام را برای مخاطب انتقال دهد. از این جهت هم یک موفقیت است که به آقای هادف تبریک می‌گویم.

۳. نکته دیگر این‌که نوشته در یک فضای خشک آکادمیک افغانی سیر نمی‌کند. ما می‌بینیم که جزئی از نظام‌نامه تدریسی در دانشگاه‌های افغانستان این است که کسی که عضو کادر علمی است، خصوصاً آنانی که در آکادمی علوم و مراکز دیگری شبیه آن کار می‌کنند، باید هر سال یک‌بار یا دو سال یک‌بار و یا سه سال یک‌بار آثاری برای ترفیعات علمی خود و برای کسب رتبه‌ها و غیره عرضه کنند. به رغم آن‌که معیارهای مشخص آکادمیک در دنیای امروز وجود دارد که استندردهای جهانی است؛ اما اغلب آثاری که زیر نام کار آکادمیک در دانشگاه‌های ما نوشته و عرضه می‌شود، نه همه آن‌ها، متأسفانه از خاصیتی برخوردار نیست که آن را مفید و سودمند بگرداند، بلکه کار عبث و بیهوده به حساب می‌آید.

البته کار یک تعدادی را که حتماً متأسفانه از گوگل و جاهای دیگر نسخه‌برداری می‌کنند و می‌خواهند یک رتبه را بگیرند، به یک‌سو می‌گذاریم؛ اما یک عده‌ای که زحمت هم می‌کشند متأسفانه یا در عنوان و انتخاب موضوع ابتکار و نوآوری دیده نمی‌شود و یا در شیوه پرداختن به آن و یا هم

در زبانی که برای آن انتخاب می‌شود و در نهایت امر به یک اثر مرده و بی‌خاصیت و ناکارآمد تبدیل می‌شود که نوشتن و نانوشتن آن یکسان است. تنها سودی که چنین اثری دارد، همان سودی است که صاحب آن را مستحق این می‌کند که در درون اداره مربوطه یک رتبه به دست آورد؛ آن‌هم رتبه‌ای که در واقع یک رتبه وهمی است و به اصطلاح مصداقی از گرفتار آمدن در وهم است که پله به پله رتبه‌های مختلف را طی می‌کند، بدون آن‌که ببینیم از نظر علمی چه عرضه کرده است. در واقع کسب رتبه باید برای این باشد که شخص چیزی بر معرفت افزوده باشد و در تولید دانش سهم گرفته باشد. تا زمانی که او سهمی در تولید دانش ندارد، به دست آوردن القاب کاری وهم‌آلود، نوعی خود را فریب دادن و یا دیگران را بازی دادن است.

من نمی‌گویم تمام آنچه که در دانشگاه‌های ما نوشته می‌شود، این‌گونه است. کسانی را هم می‌شناسیم که صاحب‌قلم‌های خوبی‌اند، مثل آقای امیری، آقای اشراق حسینی، عبدالشیر فکرت و دوستان دیگری مثل دکتر امین احمدی و غیره که کارهایی ستودنی کرده‌اند. ولی این‌ها در یک وضعیت عمومی که بررسی می‌شود، استثنا هستند. کار آقای هادف بیش‌تر یک کار زنده است و روحیه خشک ندارد که خواننده را گریزان کند و از سویی ناظر بر واقعیت‌ها است. در حقیقت، اندیشه زمانی کارایی و اثرگذاری خواهد داشت که متناظر با واقعیت‌هایی که اتفاق می‌افتد، به پیش برود. در نوشته‌های آقای هادف و در نوشته‌های من و بعضی دوستان دیگر هم چون خواجه بشیر انصاری و امثال‌شان که رسالت‌مندان قلم می‌زنند و از این وضعیت دردی دارند، تأکید و توجه بر این است که با قلم‌شان و با مطالبی که می‌نویسند، مگر دردی کاسته و مشکلی حل و گوشه تاریکی روشن شود. از این جهت، یک‌بار رسالت‌مندی در این کارها دیده می‌شود و با واقعیت جامعه ما و با مشکلاتی که ما با آن دست به گریبان هستیم، می‌خواند.

۴. نکته دیگری که در نوشته آقای هادف توجه مرا جلب کرد، این بود که فضای عاطفی ندارد؛ فضایی که بیش از حد احساسی و رمانتیک باشد و مثلاً لحن خطابی و منبری به خود گیرد. متأسفانه بعضی از صاحب‌قلم‌ان ما دو مقام را از هم تفکیک نمی‌کنند: مقام رفتن بر سر منبر خطابه تا مقام به دست گرفتن قلم به عنوان صاحب تحلیل و اندیشه. در نوشته آقای هادف فضای عاطفی معتدل و آرام است؛ نه در جایی که نقد صورت می‌گیرد، تاخت‌وتازهای غیرمنصفانه دیده می‌شود و نه در جاهایی که مثبت باشد، تعریف و تمجیدهای بی‌جا و افراطی. از این جهت هم نکته‌ای است که دیگر دوستان جوان ما خوب است که در نوشته‌های خود آن را در نظر بگیرند.

۵. نکته دیگر این‌که صاحب کتاب نشان می‌دهد که از خود دارای دید و درک است، دارای نگاه مستقلی که لازم است صاحب قلم داشته باشد و تکرارکننده آرا و نظریات این و آن و مقلد افکار کسی نیست. طبیعی است که همه ما می‌خوانیم و همه ما از صاحبان اندیشه و قلم متأثر می‌شویم؛ اما بعد از آن نوبت به این می‌رسد که باید از خود برداشتی داشته باشیم و مستقل فکر کنیم و آن چیزی را که نتیجه تفکر ما است، روی قلم بیاوریم.

این ویژه‌گی‌هایی است که من در نوشته‌های آقای هادف، خصوصاً در این کتاب، می‌بینم و همه نکات مثبت و ارزنده‌ای است که به نظر من کتاب می‌تواند برای بسیاری از خواننده‌گان افغان و فارسی‌زبان مفید و سودمند باشد و وقت‌شان را ضایع نکند و

نکات زیادی از آن خواهند آموخت و کتاب در واقع یک رسالت روشن‌گرانه را در این مقطع می‌تواند ادا کند.

۶. نکته آخری که می‌خواهم عرض کنم و کمی جنبه نقد و انتقاد هم داشته باشد، این است که کتاب به حیث روشمندی دچار یک نوع ابهام است. یعنی من وقتی بخوام این کتاب را دسته‌بندی کنم که مثلاً در کدام بخشی از کتاب‌ها و ذیل کدام دانش قرار می‌گیرد، در این قسمت دچار سردرگمی می‌شوم. وقتی ما به مطالعات دینی رو می‌آوریم و می‌خواهیم که در این عرصه کار جدی‌تر کنیم، باید از یک نقطه عزیمت متودیک یا منهجی حرکت کنیم. فرض کنیم وقتی ما از دریچه مقارنه ادیان (دین‌شناسی تطبیقی) یا از دریچه فلسفه دین یا از دریچه جامعه‌شناسی دین یا تاریخ ادیان یا زبان دین و امثال آن وارد بحث می‌شویم، طبیعی است که در آن‌جا هر دانش، به عنوان دانش، دارای مجموعه‌ای از مبانی روشی خود است که صاحب اثر بر آن تسلط دارد و صاحب قلم باید از همان دریچه وارد بحث شود و مسأله را تحلیل کند. من در این‌جا و در این نقطه یک اندازه ابهام می‌بینم.

هدف من از این تذکر این است که چون آقای هادف هنوز جوان است و در محیطی هم است که از لحاظ آکادمیک آن‌جا منابع و امکانات زیاد است، در نوشته‌های بعدی کوشش کند تا از این جهت هم موضوع پخته‌تر باشد که با اتکا به مبانی روشمندی یک دانش یا چند دانش، نوشته حالت شبه‌آکادمیک خود را کم‌وبیش حفظ کند و به هر حال ابهام روشمندی نداشته باشد. این ملاحظه به معنای آن نیست که قدر کتاب را کم کند و از ارزش نوشته بکاهد؛ به هر صورت نوشته قابل خواندن است و بسیاری از دوستان حتماً استفاده خواهند کرد. هدف از این تذکر این بود که ما در افغانستان در واقع نیاز به کارهایی داریم که بازهم پخته‌تر و پخته‌تر شود. اگر وضعیت افغانستان را با همسایه خود ایران مقایسه کنیم، طبعاً مقایسه ما خیلی دقیق نخواهد بود؛ به خاطری که بستر فرهنگی، زمینه‌ها و امکاناتی که در آن‌جا برای اهل قلم مساعد است، در محیط ما نبوده است و این بحران جنگ و تباهی که ما از سر گذرانیم، ما را با تنگناهایی مواجه کرده است که متأسفانه نمی‌توانیم توقع خود را آن‌قدر بالا ببریم؛ ولی به هر صورت نیاز داریم تا ما هم کم‌وبیش به سمتی برویم که هم‌تراز نویسندگان ایرانی یا مصری و یا نویسندگان کشورهای دیگر شویم.

هرچند از نویسندگان جوانی هم‌چون آقای هادف و ما توقع نمی‌رود که نوشته‌هایی آن‌چنانی داشته باشیم؛ ولی اگر خدا عمری داد، خوب است که ما بتوانیم تلاش‌های خود را به آن سمتی سوق دهیم که با استندردهای جهانی کارهای سنگین‌وزن و با عبار ثقیل ارایه شود و باز این آثار جدی می‌توانند برای بسیاری دیگر هم الهام‌بخش باشند. لازم نیست که یک شخص ده کتاب بسیار جدی بنویسد، یک کتاب بنویسد؛ اما بسیار اساسی که بالای آن وقت گذاشته باشد و در تولید معرفت سهمی گرفته باشد. او گاهی وقت‌ها حتا برای یک نسل الهام می‌بخشد و دیده شده که مثلاً در جامعه عرب نویسندگان زیاد است؛ اما نویسندگان‌هایی که کارهای جدی کردند و کارهای‌شان بسیار اثرگذار بوده است بالای یک نسل و دو نسل همانند طه حسین و کسانی دیگر، خیلی محدود بوده‌اند.

به هر صورت، من این کاری را که انجام شده است، به فال نیک می‌گیرم و تبریک می‌گویم و آرزوی توفیقات بیش‌تر برای دوست عزیزم جناب آقای هادف دارم.

دبیر بخش ویدیو:  
خبرنگاران:

محمدنصیر کاوشگر  
عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکبیا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شایق قاسمی، بهروز خاوری

ویراستاران:  
صفحه آرایی:  
پذیرش اعلان:  
نشانی پستی:  
نشانی دفتر کابل:

علی نظری، اسحق علی احساس  
رضا مرادی  
۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹  
Shaparsepehr@gmail.com  
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
تایمنی، کابل، افغانستان  
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸صبح  
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز:  
مدیرمسئول:  
سر دبیر:  
دبیر گزارش‌ها:  
دبیر بخش خبر:  
دبیر بخش صلح:  
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل  
مجیب مهرداد  
خلیل اسیر  
حسب بهش  
علی‌شاه حقل  
آسیه حمزه‌ای

sanjarsohail@yahoo.com  
mujib\_mehrdad@yahoo.com  
8am.daily@gmail.com

Publisher:  
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:  
Mujib Mehrdad  
mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af



## سخنان عمران خان درباره تجاوز بر زنان، خشم فعالان زن در پاکستان را برانگیخت



نخست‌وزیر پاکستان علت تجاوز بر زنان را «لباس بسیار کم» آنان دانسته بود. این سخنان با واکنش جدی روبه‌رو شد. فعالان زن در پاکستان نگاه عمران خان را «ساده‌انگارانه» خواندند و خواستار عذرخواهی او شدند.

پس از آن‌که عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، زنان قربانی تجاوز جنسی را به دلیل پوشیدن «لباس بسیار کم» مقصر دانست، با واکنش جدی روبه‌رو شد.

به گزارش رادیو زمانه، جناتان سوان، روزنامه‌نگار اکسیوس، از این کاپیتان سابق کریکت پاکستان در مورد «افزایش تجاوز» بر زنان در پاکستان سوال کرد و عمران خان در پاسخ گفت: «اگر زنی لباس کمی بپوشد، بر مرد تأثیر خواهد گذاشت، مگر این‌که مرد روبات باشد. این عقل سلیم است.»

او در مورد منظورش از «لباس کم» در کشوری که اکثریت قریب به اتفاق زنان از لباس پوشیده ملی استفاده می‌کنند، توضیح بیشتری نداد.

چندین گروه مدافع حقوق زنان، از جمله کمیسیون حقوق بشر پاکستان، با انتشار بیانیهای خواستار عذرخواهی عمران خان شدند.

مریم نواز، نایب رییس اتحادیه مسلمانان پاکستان - نواز و دختر نواز شریف، سیاستمدار و نخست‌وزیر پیشین، عمران خان را «ستايشگر تجاوز» نامید و گفت افرادی که تجاوز را تأیید می‌کنند، همان ذهنیت مجرمان را دارند.

کانوال احمد، یکی از فعالان حقوق زنان، در توییتی نوشت: «وقتی که به این فکر می‌کنم چه تعداد متجاوز با حمایت نخست‌وزیر از جنایت‌شان اعتبار کسب می‌کنند، قلبم به لرزه می‌افتد.»

در اوایل سال جاری نیز وقتی عمران خان به زنان توصیه کرد که برای جلوگیری از تجاوز خود را بپوشانند، از سوی یکی از گروه‌های مدافع حقوق زنان به «ناآگاهی همراه‌کننده» متهم شد. تیم رسانه‌ای نخست‌وزیر پاکستان در واکنش گفت که سخنان او بد تعبیر شده است. هنگامی که جناتان سوان در مورد اظهارات قبلی عمران خان درباره قربانیان تجاوز جنسی از او سوال کرد، خان پاسخ داد که این حرف‌ها «مزخرف» است و او تنها به «مفهوم پرده» در اسلام اشاره کرده که برای «جلوگیری از وسوسه جامعه» به کار می‌رود. «پرده» یا «پوردا» عملی مذهبی است برای گوشه‌نشینی زنان که در بین برخی جوامع مسلمان و هندو به دو شکل تفکیک فیزیکی جنسیت و پوشاندن بدن انجام می‌شود.

## امریکا تعطیلی تنها روزنامه دموکراسی خواه باقی‌مانده در هنگ‌کنگ را محکوم کرد

خواهد شد. رییس جمهور بایدن این روز را «روزی غم‌انگیز برای آزادی رسانه‌ها در هنگ‌کنگ و سراسر جهان» دانست و گفت تشدید سرکوب در هنگ‌کنگ توسط پکن به حدی رسیده که اپل دیلی مجبور به توقف انتشار شده است.

وی اضافه کرد که پکن با اعمال قدرت و با بازداشت، تهدید و اعمال زور از طریق قانون امنیت ملی که آزادی بیان را به مجازات می‌کشد، رسانه‌های مستقل را سرکوب و نظرات مخالف را خاموش می‌کند.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، نیز در توییتی نوشت که مردم هنگ‌کنگ حق برخورداری از آزادی مطبوعات را دارند و ایالات متحده بر تعهد خدشه‌ناپذیر خود در حمایت از این مردم و تمامی کسانی که برای آزادی‌های بنیادین مبارزه می‌کنند، باقی خواهد ماند.

به گزارش صدای امریکا، هیأت مدیره شرکت «تکست مدیا» که این روزنامه زیرمجموعه آن است، با صدور بیانیهای اعلام کرد که نسخه‌های چاپی و دیجیتالی روزنامه اپل دیلی به دلیل «شرایط کنونی حاکم در هنگ‌کنگ» متوقف



جو بایدن، رییس جمهوری ایالات متحده امریکا، با صدور بیانیهای، تعطیلی تنها روزنامه دموکراسی خواه باقی‌مانده در هنگ‌کنگ را محکوم کرد. روزنامه «اپل دیلی» آخرین شماره خود را روز پنج‌شنبه، ۳ سرطان، زیر چاپ برد.

### سازمان ملل:

## مصرف مواد مخدر در دوره کرونا افزایش یافته است

مخدر ممنوعه خواهد داشت. این دفتر بدون در نظر گرفتن کووید-۱۹ نسبت به افزایش مصرف کوکائین ارزان‌تر در اروپا هشدار داد. گزارش افزوده است که به دلیل بحران اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، کسب درآمد از طریق تولید تریاک در افغانستان جذاب و جذاب‌تر می‌شود. بر این اساس، سطح زیر کشت تریاک در این کشور در سال گذشته ۳۷ درصد رشد کرده است.

افغانستان همچنین در حال تبدیل شدن به یک تأمین‌کننده مهم آمفتامین در منطقه است. آمفتامین به عنوان دارو و با تجویز روان‌پزشک یا پزشک به درمان اختلال بیش‌فعالی/کمبود توجه کمک می‌کند، اما از آن به عنوان نوعی ماده مخدر و روان‌گردان نیز استفاده می‌کنند که در درازمدت سبب بروز اعتیاد در فرد مصرف‌کننده می‌شود.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل همچنین انتظار دارد که بحران کرونا موجب افزایش تقاضای مواد مخدر شود. تعطیلی مکاتب به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹، نیز تأثیر دارد.

سازمان ملل در گزارشی گفته است اکستازی و مواد مخدری که معمولاً در مهمانی‌ها مصرف می‌شود، در سال ۲۰۲۰ که کرونا همه‌گیر شد، کمتر مورد مصرف مردم قرار گرفته، در حالی که مصرف شاهدانه و آرام‌بخش‌ها بیشتر شده است. سازمان ملل هشدار داد که کوکائین در اروپا بیشتر مصرف می‌شود. به گزارش رادیو زمانه، آمار سازمان ملل نشان می‌دهد که در دوره همه‌گیری کرونا، شاهدانه و آرام‌بخش‌ها به عنوان مواد مخدر بیشتر مصرف شده است. براساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، در وین، در یک نظرسنجی از متخصصان بهداشت در ۷۷ کشور جهان، ۶۶ درصد از کشورها گزارش استفاده مکرر از مواد مخدر داده‌اند. از سوی دیگر، مواد مخدری که در مهمانی‌ها معمولاً مصرف می‌شود، کمتر استفاده شده است.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در گزارش سالانه خود درباره مصرف این مواد در جهان به این نظر است که همه‌گیری کرونا تأثیرات طولانی‌مدت بر عرضه و تقاضای مواد



## پوشیدن ماسک در اسرائیل بار دیگر اجباری شد



وزارت بهداشت و درمان اسرائیل روز جمعه، چهارم سرطان، دستور داد که از ظهر همین روز استفاده از ماسک دوباره اجباری شود.

به گزارش رسانه‌های اسرائیل، مردم باید در هر محیط بسته و همچنین در اماکن باز که تراکم جمعیت و رفت‌وآمد در آن زیاد است، دوباره ماسک بزنند. بازگشت ماسک به زنده‌گی مردم در حالی است که این کشور با درصد بسیار بالای مردم کاملاً واکسین شده خود، از چند ماه پیش به زنده‌گی عادی بازگشته و ضرورت استفاده از ماسک در محیط‌های بسته نیز از ماه گذشته لغو شده بود.

دستورات جدید پس از آن صادر می‌شود که شماری از دانش‌آموزان مکاتب در شهرهای بنیامینا و مودیعین به کرونا مبتلا شدند؛ منشاء ابتلا ظاهراً پدر یکی از دانش‌آموزان بود که با ابتلا به کرونا از نوع «دلتا» به اسرائیل بازگشته بود.

به نوشته جرزالیم پست، شهر بنیامینا از سوم تیر «شهر قرمز» توصیف شده و شماری از ساکنان شهرهای کفارصبا، رمله و هرثلیا در ردیف مبتلایان به کرونا قرار گرفته‌اند.

از روز یک‌شنبه گذشته تقریباً روزانه صد تن دیگر به کرونا مبتلا شده‌اند.

بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، نظر به این‌که بیش از ۷۰ درصد مردم ۱۶ ساله به بالا در این کشور کاملاً واکسین شده‌اند، گفته بود اسرائیل اولین کشور دنیا است که بر کرونا کاملاً غلبه کرد.